

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۲۹

دوشنبه ۲۱ آبانماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۰ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- "ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می رود! (۵) در صفحه ۱۲
 - نگاهی بر مواد قانون اساسی (۵) در صفحه ۷
 - اخباری از جنبش دانش آموزی در صفحه ۱۷
 - مصاحبه با یک صیاد مبارز در صفحه ۸
- بندر انزلی -



گرامی باد شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

۷ نوامبر (۵۸/۸/۱۶) مصادف بود با شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر انقلابی که حقانیت تاریخی پرولتاریا را در بدست گرفتن سرنوشت خویش و شامی زحمت-کنان به ثبوت رسانده و فصل نویسی از مبارزه پرولتاریای جهانی را بر علیه بورژوازی گشوده است.

بقیه در صفحه ۲

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

● تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته های ضد امپریالیستی توده های مردم است.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی بمیان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی هستند.

در صفحه ۲

مدنی کیست؟

چرا او را کاندید ریاست جمهوری کرده اند؟

مدنی: هر کس که زیرسند خودمختاری را امضاء کند، به مردم ایران خیانت کرده است.

در صفحه ۵

جنبش کارگری

- اعتصاب در کارخانه ارج
- مبارزه پیروزمند کارگران بیکار قزوین
- مبارزات کارگران پیمانی صنعت نفت
- گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان
- اعتصاب کارگران پیمانی آبادان -

در صفحه ۲۰

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۱۸

شیوه برخورد

پرولتری یا

خرده بورژوازی؟

- ۲ -

چریکهای فدایی خلق
و احزاب بورژوازیتظا هر ناپایداری ایدئولوژیک
خرده بورژوازی

در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
دشمن اصلی خلقهای ایران

امواج توفنده، مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های تحت ستم، سقوف ترک - خورده، سیستم حاکم را به لرزه درآورده است.

از هرسو صدای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" به گوش میرسد. پناه دادن شاه جنایتکار توسط دولت امپریالیستی آمریکا، بیش از پیش خشم انقلابی و غلبان یافته توده‌ها را دامن زده است و آنها یکصد استرداد، محاکمه و اعدام این مزدور آمریکائی را به مثابه بخش کوچکی از خواسته‌های بحق و انقلابی خود خواستارند.

آنها بر استی کینه طبقاتی عمیق خویش را نسبت به امپریالیسم آمریکا و مزدورانش که طی سالها کمیت ضد خلقی سرمایه‌داری وابسته، توده‌ها را بشدید - ترین وجهی غارت و سرکوب می‌کردند، در فترت‌های خود زنده می‌سازند.

آنها بدرستی دریافته‌اند که هدف اصلی انقلاب که در جریان قیام بوسیله، خیانتکاران و سازش طلبان به انحراف گشاده شد، همچنان امپریالیسم آمریکا و سیستم عمیقاً وابسته، سرمایه‌داری ایران است. این موج توفنده، جنبش توده‌ای هم‌اکنون لرزه بر اندام امپریالیسم آمریکا انداخته و بیش از پیش او را در محاق بحران سیاسی فرو برده است اما شگفت آنکه می‌بینیم بخشی از هیئت حاکمه پس از زمین چینی یک شهاجم گسترده برای بدست گرفتن قدرت و قربانی کردن بخش دیگری از هیئت حاکمه اکنون می‌کوشد تا در انطباق با شرایط جدید و دست زدن به برخی حرکات ضد آمریکائی و بیش از آن با هیاهو و جاج و جنجال بسیار خویش را پیشرو این مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ای که تا کنون در برابر آن ایستاده بود، جلوه دهد.

چگونه است که کسانی چون بهشتی که تا دیروز به همراه لیبرالهایی چون بازرگان، خاشناه برای بهمازش کشاندن انقلاب به پای میز مذاکره با ژنرال هوپزیر جلا می‌رفتند، اکنون "صدا مپریالیست" شده‌اند.

چگونه است، خمینی که تا دیروز پشتیبان سر سخت دولت بازرگان بوده و فرمان لشکرکشی ضد انقلابی ارتش دست پرورده، آمریکا را به گردستان ما در نموده، اکنون دولت بازرگان را به جرم مذاکره با برزیلینکی‌ها این مغز متفکر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا - مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، چگونه است "شورای انقلاب" که تا دیروز تمام سیاست‌های دولت را تصویب می‌نمود و تمام اقدامات ضد انقلابی کوچک و بزرگ او را در جهت بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و تاملین مجدد سلطه، آمریکا و سرکوب خلقها مورد تأیید قرار می‌داد اکنون چهره "صدا مپریالیستی" و "صدازشکاری" به خود گرفته است؟ و دست به برخی اقدامات "صدا مپریالیستی" می‌زند.

واقعیت چیست؟ حرکات و سیاست‌های جدید جناح انحمارطلب و قشوری هیئت حاکمه را که می‌کوشد تمام قدرت حاکم را از آن خود نماید، چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

کلید اصلی درک حرکات، سیاست‌ها و تحولات جدیدی که در صحنه سیاسی ایران رخ داده است را باید در موقعیت جنبش توده‌ای، بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و موقعیت رژیم حاکم جستجو نمود.

بدون چنین درکی، نمی‌توان این حرکات و سیاست‌ها و تحولات را مسرود ارزیابی قرار داد.

★ ★ ★

قیام شکوهمند بهمن ماه با عظیم ضد امپریالیستی مبارزات خلق ما را به روشنی آشکار نمود. پیام عمیقاً انقلابی این قیام عبارت بود از: نابودی کامل سلطه، امپریالیسم در ایران، نابودی تمام سیستم سرمایه‌داری وابسته و نهادهای وارگانه‌های وابسته به آن و ایجاد یک سیستم مردمی و خلقی که پایه‌سختی بقیه در صحنه بعد

بقیه از صفحه ۱ گرامی باد ...

از آن زمان تا کنون هر چند کسبه امپریالیسم جهانی و تمامی نوکران آن و تمامی مرتجعین از جمله در ایران تلاش کرده‌اند این انقلاب را تخطئه کنند، اما هر زمان که عظمت انقلاب سوسیالیستی و برائش آن در محو نظام استثمارگری در پیش چشمشان نمایان شده است، بر خود لرزیده‌اند.

از آن زمان تا کنون هر چند کسبه ابورتونیس‌ها، و روبریونیس‌ها و بلاخره سوسیال امپریالیست‌ها، که به لباس مارکسیسم - لنینیسم در آمده‌اند، تمامی تلاش خود را برای تهنیت ساختن دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای روس از مضمون واقعی خویش بکار برده‌اند، اما نتوانسته‌اند حتی ذره‌ای از عظمت این انقلاب و حقانیت تاریخی آن کم کنند.

ما سالگرد این انقلاب کبیر را به تمامی زحمتکشان ایران بخصوص کارگران تبریک می‌گوئیم و به همین مناسبت ترجمه مقاله‌ای از لنین را در بررسی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، به پیشگاه زحمتکشان تقدیم می‌داریم:

چهارمین جشن
سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله‌ای از لنین)

چهارمین سالگرد ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) فرا می‌رسد.

هر قدر بیشتر که آن روز بزرگ از ما فاصله می‌گیرد، بهمان نسبت ما آتکسارا اهمیت انقلاب پرولتری را در روسیه مشاهده می‌کنیم و بهمان نسبت در باره تجربه عملی کارمان بعنوان یک کل عمیق‌تر می‌اندیشیم.

بطور خیلی خلاصه، و البته در طرخی بسیار ناقص و اجمالی، این اهمیت و تجربه می‌تواند به قرار ذیل جمع‌بندی شود.

هدف بلاواسطه و فوری انقلاب در روسیه انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود، یعنی نابودی بقایای قرون وسطائی و روبییدن کامل آنها، پاکسازی روسیه از این بربریت از این تنگ و بر طرف کردن این مانع عظیم از تمامی فرهنگ و پیشرفت در کشور ما.

و ما می‌توانیم بطرز موجبی از انجام این پاکسازی که با اراده‌ای عظیم و سرعت، شجاعت و موفقیت فوق العاده زیادتر و از نقطه نظر تأثیر آن بر توده‌ها، بسیار وسیعتر و عمیقتر از انقلاب کبیر فرانسه در بیش از یکصد و بیست و پنج سال پیش بود، بخود بنالیم.

هم‌آنانرشت‌ها و هم دمکراتهای خرده - بورژوا (یعنی منشیوکیها، و سوسیال رولو - سیونرها که المثنی‌های روسی نوع سوسیال انترناسیونال هستند) در باره رابطه بین انقلاب بورژوا - دمکراتیک و سوسیالیستی بقیه در صحنه بعد

بقیه از صفحه قبل

(یعنی ، انقلاب پرولتری) مهملات بسیار باور نکردنی گفته و هنوز هم میگویند . این چهار سال آخر کاملاً ثابت کرد که تعبیر ما از مارکسیسم در باره این موضوع وارز-یابی ما از تجربه انقلابهای پیشین صحیح بودند . ما انقلاب بورژوا - دمکراتیک را چنان انجام دادیم که قبلاً هیچکس چنین انجام نداده بود . ما که میدانیم انقلاب سوسیالیستی را دیوار چین از انقلاب بورژوا - دمکراتیک جدا نمی کند و نیز میدانیم که (در تحلیل نهائی) فقط مبارزه تعیین خواهد کرد که تا کجا پیش خواهیم رفت ، چقدر از این وظیفه سترگ و متعالی را به انجام خواهیم رساند و تا چه حد در تحکیم پیروزیهایمان موفق خواهیم شد ، در حال پیشروی آگاهانه ، استوار و بدون انحراف بسوی انقلاب سوسیالیستی هستیم . زمان نشان خواهد داد . اما از هم اکنون مشاهده می کنیم که کار عظیمی - عظیم بخاطر برائی فرسودگی و عقب ماندگی کشور - در جهت گذار سوسیالیستی جامعه انجام یافته است .

با اینهمه اجازه بدهید آنچه را که باید در باره محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلابمان بگوئیم ، بیابان برسانیم . مارکسیستها باید مفهوم آن را درک کنند . اجازه بدهید برای توضیح چند مثال برجسته بزنیم .

محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلاب بدین معناست که مناسبات اجتماعی (نظام ، نهادها) کشور از قرون وسطی ، سرواژ و فئودالیسم پاکسازی میشود .

مظاهر مهم ، آثار و بقایای سرواژ در روسیه تا ۱۹۱۷ کدام بودند؟ پادشاهی ، نظام امتیازات اجتماعی ، مالکیت ارضی و اجاره داری زمین ، موقعیت زنان ، مذهب و ستم ملی . هر یک از این طویله های اوزیاس را در نظر بگیرید ، طویله هایی که اتفاقاً ، تا حدود زیادی از سوی تمامی دولتهای پیشرفته همینکه آنها انقلابهای بورژوا - دمکراتیک خود را در یکصد و بیست و پنج سال پیش ، دویمت و پنجاه و اندی سال پیش (۱۶۴۹ در انگلستان) به انجام رسانند ، تمیز نشده رهائش ساختند ، هر یک از این طویله های اوزیاس را در نظر بگیرید خواهید دید که ما این طویله ها را کاملاً تمیز کرده ایم . آنچه که ما در مدتی کمتر از ده هفته از ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) تا ۵ ژانویه ۱۹۱۸ ، زمانی که مجلس موسسان منحل شد ، از این لحاظ انجام دادیم هزار بار بیشتر از آن چیزی است که دمکراتهای بورژوا و لیبرالها (کادتها) و دمکراتهای خرده بورژوا (منشیوکها و سوسیال رولو - سیوترها) در خلال هشت ماهی که در قدرت بودند ، انجام دادند .

این تارسیس ها و خرده ها ملتتهای بسزدل و یاوه سرا و لاف زن شمشیرهای چوبینشان را تاب دادند اما حتی پادشاهی را هم بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل بیانییه سازمان ...

خواستهای انقلابی توده ها باشد . خلق ما خواستار لغو و افشای تمامی قرار - دادهای اسارت آور امپریالیستی ، ادعای خسارت سالیان دراز جپا ولگسری و غارت و کشتار خلقهای ما از امپریالیسم آمریکا و بستن تمام جاسوسخانه ها و مراکز توطئه چینی امپریالیسم در ایران بود . کمونیست ها و نیروهای راستین انقلاب از همان آغاز بر خواسته های خلق پای میفشردند . ما بورژوازی و همدستان انحصار طلب و دنیا لورو او چه کردند؟ آنها اساساً خواستار حفظ نظام سرمایه داری وابسته بودند و تنها به یک سری اطلاعات در چپا رچوب این نظام دست زدند . آنها حاضر نشدند قراردادهای مهم اقتصادی (نظیر قراردادهای

● پس از قیام " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم ، نسه فقط نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند ، پاسخ دهند ، بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند .

نفت) و نظامی (نظیر قراردادهای دوجانبه ایران و آمریکا) را در معرض قضاوت توده ها قرار دهند . امیرانتظام بی شرمانه به " قطور " بودن قراردادهای وقت زیادی که مطالعه آنها میگردید! اشاره کرد و بزدی از " مفید بودن " برخی از قراردادهای سخن گفت . آنها نه فقط حاضر نشدند دیناری خسارت از امپریالیست ها مطالبه کنند بلکه به آنها خسارت نیز پرداخت نمودند . بازرگان این نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی از بازپرداخت سرمایه های به اصطلاح ملی شده امپریالیست ها حرف زد و آنرا مفید به حال ایران نامید .

بدین ترتیب " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم نه فقط خواستند و نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند پاسخ دهند بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند و کمونیست ها این پیگیری ترین نیروی فدا امپریالیست را که بر همین خواست های انقلابی توده ها پای میفشردند مورد تهاجم و سرکوب قرار داده و آنان را " ضد - انقلاب " قلمداد نمودند . اما هیئت حاکمه درصدی و صله بینه کردن سیستمی بود که عمیقاً شکاف برداشته و گنبدیده بود و این گنبدیدگی که ریشه در وابستگی این سیستم به امپریالیسم داشت خود موجز بحرانی بود که در مقطعی از حرکت خود ، شاه و سلطنت را فروبلعید و باز همچنان ادامه یافت ، چرا که سیستم گنبدیده همچنان پایبرجا مانده بود .

ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه و ناتوانی هیئت حاکمه از مهار کردن آن ، تأثیرات مستقیم این بحران بر زندگی و معیشت توده های تحت - ستم ، بیش از پیش بحران سیاسی جامعه را دامن میزد و توده ها را در مسیر اعتلای مبارزاتی نوینی قرار میداد .

خواست توده ها و به اعتبار آن حرکات اعتراضی و مبارزاتی آنها نه تنها فروکش نمی کرد بلکه بیشتر اوج می گرفت و در این میان جنبش کارگری و بخصوص جنبش ملی خلقها ، دم به دم گسترش یافته و به مراحل جدیدی از اعتلای انقلابی دست می یافت . هیئت حاکمه از هر سو تحت فشار قرار می گرفت . به همین لحاظ برای خروج از این بن بست ، در شهریور ماه هجوم همه جانبه ای را بر علیه خلق کرد ، حریم آزادیهای بدست آمده از قیام توده ها و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست تدارک دید ، با این امیدواری و خیال باطل که توده های نا آگاه را برای همیشه بدنبال خود دارد و خواهد توانست با چنین تهاجم و سرکوبی خود را از بحران نجات دهد . اما چنین سیاستی نه فقط نتوانست هیئت حاکم را از بحران نجات دهد ، بلکه بر عمق بحران نیز افزود . شکست راه حل نظامی در کردستان ، اوچگیری جنبش بیکاران (که بنا به گفته عناصر هشیارتر رژیم ، روزانه ۲۵۰۰ نفر بر تعداد آنها افزوده می شود) ، گسترش جنبش دانش آموزان ، اوچگیری جنبش کارگری و ... همه و همه پشت رژیم حاکم را می لرزاند و شکافهای درونی آن را افزونتر می کرد . توده ها در تجربه زندگی خود و به یاری افشاکری وسیع نیروهای راستین انقلابی و کمونیست ، بیش از پیش به ما هیت عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه پی بردند ، ارتجاع به سرعت در سایشی انفراد قرار گرفت و از صدای ترک برداشتن سقف سیستم حاکمه به وحشت افتاد .

بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

بقیه از صفحه قبل
 نبود نکرده‌اند. ما تمام این سرگین پادشا-
 هی را پاک کردیم طوری پاک کردیم گسبه
 هیچکس در گذشته چنین نکرده بود. از آن
 بنای کهن یعنی سیستم امتیازات - اجتماعی
 ما نه یک سنگ، و نه یک آجر باقی نماند
 نگذاشتیم. (حتی پیشرفته‌ترین کشورها مانند
 بریتانیا، فرانسه و آلمان بقایای این
 سیستم را تا به امروز کاملاً ملغی نکرده -
 اند) ما ریشه‌های عمیق سیستم امتیازات
 - اجتماعی، یعنی بقایای فئودالیسم و
 سراز را در نظام زمینداری تا به آخر
 ریشه کن کردیم. "برخی افراد می‌کنست"
 در باره نتایج رفرم ارضی "در درازمدت"
 که توسط انقلاب اکسیر عملی شده، مجادله
 کنند. (قلم زبانی زیادی چون کادشما،
 مشوبکها و سوسال رولسیونرهای کادشما،
 چنین استدلالهایی را رواج می‌دهند.) ما
 اکنون مسل نداریم وقت را برای چنین
 مشاجراتی هدر بدهیم، چه ما این امر و
 همچنین انبوه مشاجراتی را که همراه آنست
 با مبارزه تعیین می‌کنیم. اما این
 واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که دمکرات
 های خرده بورژوا با زمینداران - پاسداران
 سنتهای سراز - به مدت هشت ماه سازش
 کردند، حال آنکه ما زمینداران و جمیع
 سنتهای را در عرض چند هفته از خاک روسیه
 جارو کردیم. مذهب، یا نفی حقوق زنان،
 یا ستم و نابرابری ملیتهای غیر روس را در
 نظر بگیرد. اینها مسائل انقلاب بورژوا -
 دمکراتیک هستند. دمکراتهای خرده بورژوا
 مبتذل هشت ماه در باره آنها حرف زدند.
 حتی برای نمونه در هیچیک از پیشرفته‌ترین
 کشورهای جهان این مسائل در محدوده بورژوا
 - دمکراتیک کاملاً حل نشده است. این
 مسائل در کشور ما با قانون گذاری انقلاب
 اکسیر کاملاً حل شده است. ما مجدانه علیه
 مذهب مبارزه کرده و می‌کنیم. ما به تمامی
 ملیتهای غیر روس جمهوریها با مناطق
 خودمختار خودشان را واگذار کرده‌ایم. در
 روسیه دیگر با انکار ردیلان و بست و شنیع
 حقوق زنان یا عدم برابری جنسها، این
 بس مانده نفرت انگیز فئودالیسم و قرون
 وسطی، که بوسیله بورژوازی حریصی و
 خرده بورژوازی تنگ نظر و جیون که در هر
 کشور دیگر در جهان بدون استثنا جان گرفته
 است، مواجه نیستیم.

(ادامه دارد)



بقیه از صفحه قبل بیا نیه - سا زمان ...

شکست مفتضحاته انتخابات شوراهای شهر که در آن تنها ۸ تا ۱۰ درصد مردمی که
 می‌توانستند رأی بدهند شرکت کردند، بی‌علاقگی و سپس نفرت توده‌ها نسبت به
 "مجلس خبرگان" و خیمه شب بازی درون آن و ... همه و همه نشان دادند که
 چگونه توهم توده‌ها به سرعت در حال فروریختن است و همراه با این، حرکات
 زحمتکشان و توده‌های فقیر شهری برای اشغال خانه‌های مسکونی خالی سرمایه
 داران، مصادرده، زمین‌های زمین‌داران، اشغال هتل‌ها توسط دانشجویان
 مبارز، جنبش حق طلبانه و انقلابی صیادان بندر انزلی و ... نشان می‌داد
 که توده‌ها چگونه به ابتکار عمل خویش قوانین رژیم رازیرپا می‌گذارند و برای
 بدست گرفتن مقدرات خود بدست خویش بیا می‌خیزند. و اینها همه در حالی است
 که وضعیت اقتصادی رژیم روز بروز به سمت ورشکستگی و بحران بیشتر فرو می‌رود
 و هیچ چاره‌ای برای درمان آن نمی‌یابد.

هیئت حاکمه هر روز بیشتر از روز پیش زیرپای خود را خالی می‌دید و بسا
 هر اقدام و حرکت جدید خود، این فضای خالی را عمیقتر می‌کرد. این بحران
 سراسری جامعه، بدون شک تأثیرات خود را بطور مستقیم در رشد تضادها و تناقضات
 درونی هیئت حاکمه نیز باقی می‌گذاشت و بیش از پیش بر آنها دام می‌زد.
 منازعه سرس "نزیه" در شرکت نفت، افتتاح وزارت بازرگانی و دعوی سرس آن
 میان دو جناح هیئت حاکمه، حملات و تهاجمات روحانیت صاحب قدرت و عناصر
 وابسته به آن، به دولت بازرگان و ... در نظرات و میتینگ‌ها و ... همه و همه
 تحلیلات بارز چنین اختلافات و شکافهای درون هیئت حاکمه بود.

دولت بازرگان در طی این مدت با ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه‌داری
 وابسته و سرکوب جنبش خلقها "پاسخ خود را به بحران جامعه و خواستهای توده‌های
 داده و به اندازه کافی رسوا شده بود و دیگر چیزی در چنگ نداشت. این پاسخ
 ها دیگر نمی‌توانست و نمی‌تواند برای رژیم، کارساز لازم را داشته باشد.

جناح دیگر رژیم، یعنی روحانیون صاحب نفوذ و قدرت و همدستان آنها که
 طی یکی دو ماه اخیر در پاشخوئی به این بحران گوشیدند تا با حرکات سی از
 قبیل تشکیل نظهرات "وحدت امام با امت" قدرت را فلول یا بنده را از سقوط
 نجات دهند، اینبار دریافته‌اند که باید به اقدام "قاطع تری دست زنند. آنها
 دریافته‌اند که آبروی برپا درفته، هیئت حاکمه را با یک میتینگ و تظاهرات و ...
 نمی‌توان باز یافت. رفرا اندوم قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور در پیش
 بود و نمی‌توانست اجازه داد که سرنوشت شکست آلود انتخابات شورای شهرها
 در اینجا نیز، اینبار با دامنه، بیشتری، حاکم شود.

● تردیدی نیست شاه‌خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در
 دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز
 از خواستهای ضدامپریالیستی توده‌های مردم است.

تغییر و تحولات درونی هیئت حاکمه و حرکت اخیر "شورای انقلاب" و
 "خمینی" در هماهنگی با بخش ناچیزی از خواسته‌های ضدامپریالیستی خلق ما، در
 متن چنین شرایطی معنای واقعی خود را بازمی‌یابد و در حقیقت پاسخ این بخش
 از هیئت حاکمه به بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه، فشار ناشی از مبارزات
 او جگیر و گسترش یافته، توده‌ها و شکافها و تناقضات درونی هیئت حاکمه است.
 اما اینها که امروز چتر خویش را بر مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها گسترده‌اند
 و می‌کوشند تا با بهره‌گیری از آن اقتدار روبه‌افول خویش را با زبانه‌ها، مسلماً
 خواهند کوشید تا این مبارزه، توده‌ای را نیز در جهت تثبیت حاکمیت خویش، به
 انحراف بکشانند و یا حداقل در مجاری فرعی و انحرافی دچار بن بست نمایند.
 اینها می‌کوشند تا استرداد شاه‌خائن و محاکمه و اعدام او را که فقط بخش
 بسیار کوچکی از خواستهای انقلابی توده‌ها است در محور مبارزات و خواست‌های
 ضدامپریالیستی توده‌ها قلمداد نمایند. تردیدی نیست شاه‌خائن را باید باز-
 گرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما
 این فقط جزئی ناچیز از خواست‌های ضدامپریالیستی توده‌های مردم است.

خواست‌های اساسی توده‌های تحت ستم ما، تا بودی سیستم سرمایه‌داری
 وابسته‌ای است که با هزاران بند به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم
 بقیه در صفحه ۱۹

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

"مرگ برمدنی" این شعار از جمله شعارهایی است که اینروزها برادر و دیسوار شهرهای خوزستان دیده می‌شود! براساس مدنی کیست؟ چرا تا این حد مورد تنفر مردم آگاه جنوب است. مدنی که اینروزها عکسهای ریز و درشت او را بر درود یوار شهرمی بینیم و از او بعنوان سرباز دیرین "انقلاب" و امید آینده ایران! یاد می‌گیرد و شیمسار بودنش را زیر سربوش عنوان دکتر مخفی میکنند (بهرحال مردم مایک دکتر را بهتر از یک تیمساری پذیرند) ویر "سید" (۱) بودن او تاکید می‌ورند، عضو هیئت ملی و از همبانی لکهای بختیار و ترکیبی اختیار رومی چون و چوای آمریکا می‌باشد. بیجهت نیست که تیمسار مدنی در مصاحبه‌های با روزنامه "لوموند" دفاع از بختیار را نشان که امروز سرسپردگیش به امپریالیسم آمریکا کاملاً روشن شده می‌پردازد. ببینید چگونه: "بختیار مردی خریف، صادق و لایق بود اما خطاهای بزرگی مرتکب شد. باید به او اجازه داده شود که بعنوان یک شهروند ساده به ایران، بازگردد." (آیندگان شنبه ۶ مردادماه ۵۸)

از دید تیمسار مدنی، بختیار را مدعی است! اما نسبت به کی؟ نسبت به خلقهای ایران یا امپریالیسم آمریکا؟ نگاه به عملکردهای بختیار پاسخ این سوال را مشخص می‌کند. تیمسار مدنی در کاخ بینه بازرگان و وزیر دفاع شد، ولی دو ماه بعد استعفا کرد و بلافاصله به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریائی منصوب شد. و حکمروای مهمترین استان از نظر اقتصادی و موقعیت جغرافیائی گردید.

مدنی در آغاز کار بسیار کوشید با عوام فریبی خود را عنصری انقلابی و ملی جا بزند و در این زمینه تا اندازه‌ای هم موفق شد، به طوری که پس از استعفایش از وزارت دفاع تعدادی از پرسنل نیروی دریائی که نسبت تا شیعری و مغربیهی های او قرار گرفته بودند ضمن یک راهبیمائی اعتراضی خواستار افشای متن استعفاي مدنی از پست وزارت دفاع شدند. اما پیرو قیام خیلی زود ما سک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند! اگرچه ماهیت مدنی از همان ماههای اول استانداریش، از لابلای مصاحبه‌هایی که انجام داد تا اندازه‌ای مشخص شد، ولی عمل کردهای فاشیستی وی در خوزستان و نقشش در کشتار و سرکوب خلق عرب دستش را حسابی رو کرد و نشان داد که این یار دیرینه بختیار را خائن، آدامه دهنده همان راهی است که او نتوانسته بود دنبال کند.

در زیر قسمتی از مصاحبه‌های را که ایشان در ماههای اول استانداریشان انجام داده‌اند

بعنوان نمونه ذکر می‌کنیم. فرمانده نیروی دریائی در پاسخ خبرنگاری که می‌پرسد، آیا ایران به شیخ نشینان خلیج فارس که مورد تهدید کمونیستها هستند کمک خواهد کرد می‌گوید: "ما کوشش خواهیم کرد که در امور سایر کشورها مداخله نکنیم، اما اگر مردمی که نمی‌توانند از خود دفاع کنند از ما طلب کمک کنند این وظیفه ما است که به آنها کمک کنیم." (تاکید از ما است، آیندگان ۴ شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۵۸)

بزند. هرکس که زیرسند خود مختاری را امضا کند، بمردم ایران خیانت کرده است؛ زیرا با خود مختاری ایران قطعه قطعه میشود.

(بی‌عام امروز، ۱۴ خردادماه ۵۸)
بیورژوازی ایران نیک میدانند که برای غارت و چپاول خلقها باید حکومتی مطلقه و متمرکز داشته باشد. حکومتی که با اعمال ستم دوگانه بر خلقها با زار در دست بیورژوازی ملیت حاکم (فارس) قرار میدهد. اما چون خود مختاری در مقابل این مهمل و حرس بیورژوازی

- از دید تیمسار مدنی، بختیار را مدعی است! اما نسبت به کی؟
- سیر وقایع خیلی زود ما سک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند!
- مدنی: هرکس که زیر سند خود مختاری را امضا کند، بمردم ایران خیانت کرده است.

ملیت حاکم قرار دارد مانع از تشکیل حکومت مطلقه و دیکتاتوری می‌گردد، اینست که می‌بینیم برای فرمانده نیروی دریائی که تسلط کتون با عملکردهایش نشان داده اوست با عملکردهایش با کشتار و سرکوب خلق، اما در لباس مردم دوستی و وطنخواهی و زیر لوی مبارزه با ضد انقلاب و افراد وابسته به بیگانه، منافع سرمایه داران وابسته و امپریالیست را تشریح کند، تصوراً اعمال قدرت شده‌ها (۲) از طریق خود مختاری، دیوانه کننده، و گینه سوزانه‌ها آن حمله می‌کند.

آری، شاه خائن سزیا همین منطق کمک رسانی و زیرسربوش مبارزه با "نفوذ کمونیست" ها بود که دنبال کمک طلبیدن دولت ارتجاعی عمان به آنجا لشکر کشی کرد و مردم مبارزان ما مان را با خاک و خون کشید. جالب اینجاست که مدنی، پس از مصاحبه وقتی می‌بینید، بد جوری پنهان شد آب افتاده، مصاحبه دیگری با خبرنگار کلبان ترتیب می‌دهد و طوطی آن از فلسطینی‌ها پشتیبانی میکند، اما دیگر دیر شده بود.

ما برای آنکه این جلاد خلق عرب را بهتر و مشخص تر معرفی کنیم، در صفحات آینده به تشریح گوشه‌هایی از عملکردهای وی خواهیم پرداخت.

الف - مدنی و مسئله خود مختاری خلق عرب

مدنی هم مانند دیگر همبانیهایش در هر فرصتی به مسئله خود مختاری که یکی از مهم ترین خواسته‌های خلقهای ایران و از جمله خلق عرب است حمله می‌کنند و دیدن ترتیب بیش از پیش ماهیتش را بنمایش می‌گذارد. به گوشه‌هایی از نظراتش در زمینه خود مختاری توجه کنید:

وی در این مورد به هیئت تحقیقی که به منظور بررسی وقایع خوزستان به آن استان رفته بود اظهار می‌دارد: "در خوزستان یک میلیون عرب ایرانی زندگی می‌کنند و بقیه که اکثریت را تشکیل می‌دهند، فارس هستند. کل خوزستان برای ما مطرح است. من خود مختاری را اطلاق نمی‌پذیرم." (آیندگان ۱۶ خردادماه ۵۸)

مدنی در مصاحبه‌های دیگر در مورد خود مختاری می‌گوید: "اصولاً خود مختاری مثل شمیر دودم است، که دم بدن در خدمت امپریالیسم بکار می‌رود. ملیتی که در چنگال امپریالیسم است، نباید از خود مختاری حرف

مدنی همواره کوشیده است حق خود مختاری خلقها را (که عبارتست از حل مسئله ارضی و آزادی در برنا هر بی‌زندی اقتصادی، سیاسی و... بر اساس ضرورتها و نیازهای ملی و محلی خویش در چهار چوب ایرانی مستقل و آزاد) آگاهانه و خائسانه و اوارونه جلوه دهد و آنرا "تجزیه طلبی" معرفی کند تا بهتر بتواند با تحریک افکار عمومی علیه خلق عرب، زمینه را برای کشتار و سرکوب وحشیانه آنها آماده سازد.

(۱) - یادمان هست که وقتی "فرح" زن شاه خائن همه تیرهایش در فریبشده‌ها بسنگ خورد، "سید" بودن خود را علم کرد و آنرا برجسته نمود.

(۲) - بدیهی است وقتی صحبت از اعمال قدرت شده‌ها می‌کنیم، نه به لیبرالهایی چسبون شیر خاکی و پاکسانی که وجودشان انسانیت را نسوخته است، بلکه تنها و تنها به طبقه کارگر نظریه ریم. ما همانطور که بارها گفته‌ایم مدافع پیگیر حق تعیین سرنوشت برای خلقها هستیم و معتقدیم که این حقیقت تنها در جمهوری دموکراتیک خلق است که تحقق خواهد پذیرفت.

ب - مدنی و عملکردهای
ضد کارگريش

کارگران آگاه خوزستانی با عملکردهای این عنصر مدخلی ضد کارگری خوبی آشنا شسسی دارند. در چند ماه اخیر مدنی چهره "مدکا رگریش" را بخوبی نشان داده است. او هر جا که شواست اعتبارات و اعتراضهای کارگران و زحمتکشان رایاسرکوب و خشونت پاسخ گفت. وی حتی در مواردیکه کارگران با شما بیندگان کارفرما در حال رسیدن به توافق بودند، از کارگران میخواست که مسیبن اعتبار را معرفی نمایند. و با این کار خشم و نفرت کارگران را برمی انگیزت. وی دیوانه وار می کوشد که هر اعتبار با او اعتراضی را، بجای ویبا کسانى نسبت دهد تا سرکوب آن آسانتر باشد. هما نظور که قبلاً گفته شد مدنی از اعمال حاکمیت بوده ها که بنوعی دامنه افکار گمیختگی

و دیکتاتورى وی را محدود میکند شدت نفرت دارد، از اینرو با راهها و ابزارها برای سرکوب شوراها و کارگران مبارزه با اعمال مختلف دست زده است. از جمله اینکه اسامی کارگران مبارز را تهیه و با مدارک ساواک مطابقت داده بود تا شاید با دست آوردن مدارکی، مانع فعالیت است انقلابی آنان گردد!

وقتی "شورای کارکنان شرکت سدکوب - سد ایران" چندتن از عوامل رژیم پیشین و مهره های امپریالیسم را از شرکت اخراج نموده مدنی ضمن بخشنامه ای "شورای اسلامی کارکنان سدکوب - سد ایران" را منحل شده اعلام کرد و از سرپرست عملیات شرکت خواست کسانیکه با این شورا همکاری میکنند و از این طریق در امور شرکت "دخالت" میکنند، با نام مشخصات به استنادی معرفی کند. عین بخشنامه مراد زیر ملاحظه میکنید.

ادامه دارد

درخواست استعفاء



استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۳۵۸/۱۰/۱۷

سرپرستی عملیات شرکت سد کوسد ایران

بموجب سوابق موجود در استنادی شورائی در آن شرکت تشکیل یافته بنام شورای اسلامی کارکنان سد کوسد ایران که این شورا در امور شرکت دخالتهایی مینماید تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پارهای از کارکنان میکند. چون در اجرای امرامام باید بتدریج مسئولان و مدیران تمام سازمانهای دولتی و کارخانجات و مؤسسات مسئولیتهای خود را عهد و دار شده و از اختیارات خود برای اداره هرچه بهتر کارخانجات و مؤسسات استفاده نمایند و افراد غیرمسئول در جریان کارها حق دخالت و تعیین گیری نداشته باشند. ارا پنج جهت برای اینکه امور در آن شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول در امور شرکت جلوگیری بعمل آمده باشد. بدینوسیله انحلال شورائی که در آن شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد. خواهشمند است مراتب را به افرادیکه بنام شورای اسلامی کارکنان سد کوسد ایران در امور شرکت دخالت میکردند ابلاغ و هرگاه از این تاریخ این دخالت ادامه یافت چگونگی را به استنادی اعلام و این قبیل افراد را بنام معرفی فرمائید. / د

دکتر سید احمد مدنی
استاندار خوزستان

دکتر سید احمد مدنی

بقیه از صفحه ۱۶

معتبر نمی دانند و بر قبول و قرارهای او با کارگران میزند که هیئت حاکمه قرار دادها و بیمه های نظامی و غیر نظامی شاه خائن با امپریالیستها را معتبر دانسته و به آنها وفا دار است!!

اما آنچه که در راه باطل مبارزات کارگران پیمانهای صنعت نفت قابل تا مل است، عدم هماهنگی، نبودن وحدت عمل در امر پیشبرد مبارزه با طراستدائی شرین حقوق خویش یعنی رسمی شدن می باشد، که بدون آن رسیدن به این خواست سبب امکان پذیر نخواهد بود. در اینجا با گذشتن از عوامل عینی این ناسا هماهنگی، که کسب و عمیر آگاهی، کم کاری کمونیستها در میان این بخش از کارگران بطور مشخص اشاره کرد.

تجربیات، همکاری و بستن پیمانی کارگران رسمی صنعت نفت در دست یابی رفقای کارگر پیمانی به بداندائی شرین خواستشان در حد خود می تواند مفید باشد.

راه پیمانی کارگران پیکار رشت

صبح روز چهارشنبه ۵۸/۸/۹ حدود ۱۵۰ نفر از کارگران پیکار رشت، مقابل اداره نیروی انسانی اجتماع نموده و سپس با شعارهای "کار، کار، حق مسلم ماست"، "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری"، "جنگیدیم خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم" و... دست به راهپیمائی زدند.

تظار کنندگان بلاکار ردهای با مضمون "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری"، شما فقط بیکاری را می شنوید اما ما با تمام پوست و گوشت خود درد بیکاری را حس میکنیم زحمتکشان بدانید ما بدون پشتیبانی شما نمی توانیم از بیکاری، گرسنگی و گران رهایی یابیم" و... با خود حمل میکردند. یکی از کارگران برای رفقای بیکار ش سخنرانی کرد که مضمون سخنانش چنین بود: "معاون استنادی به ما کارگران بیکار قول داد که حدود ۵۰۰ نفر از ما را تا امروز به سرکار بفرستد ولی حرفش عملی نشده است. در حالیکه ما میدانیم یکی از مشکلات اساسی ما بیکاری است، این دولت به اصطلاح انقلابی هیچگونه اقدامی برای رفع بیکاری ننموده. بعد از قیام تعداد معدودی از کارگران سرکار رفته اند، مثلاً در کارخانه پوشش که گنجایش ۶۰۰ نفر کارگر دارد در حدود ۲۰۰ نفر کارگر می کنند. این دولت هنوز قانون منع استخدام کشوری را در کارخانه ها و اداره ها لغو نکرده، استاندار نیز ما را کمپانی از قبیل "اخلال گر" و "ضد انقلابی" میزد ولی حالا برای ما کارگران روشن شد که اینها خود مرتجع و دشمن خونین ما کارگران میباشند... مقابله مات "دولت انقلابی" در رشت به خواسته برحق کارگران شریف و زحمتکش هیچگونه پاسخی ندادند و این تعجب آور نیست، چرا که از دولت حامی سرمایه داران و زمین داران نمی توان انتظار دیگری داشت. █

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۵)

ابتدای ورودش با ایران، در سخنرانی که در بیست و نه آبان ایراد کرد، در مورد قوانینی که بدست رضاخان وضع شده است، گفت که او حق نداشته است که برای نسلهای بعدی قانون وضع کند! آری این ۹ ماه پیش بود، ولی اکنون پیروان موردتأییدش نه " برای نسلهای بعد" که برای "الی الابد" قانون وضع می کنند. مرگ خوب است لکن بسزای همسایه!

در شماره های گذشته "پیکار" به برخی از مصوبات مجلس "خبرگان" پرداختیم و نشان دادیم که اصولی که بعنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است تا چه حد از خواسته های اساسی شده هماهنگ با اصله دارد، خواسته هایی که انقلاب خونین ایران فی الواقع برپایه آنها شکل گرفت اکنون نیز در دنبال بحث خود به بررسی و ارزیابی کار "خبرگان" ادامه میدهیم:

- اصل یازدهم -

"دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، وحنبللی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب آزادند در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج- طلاق- ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن رسمیت دارند و در هر منطقه که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اجتناب از تفرقه بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

همانطور که ملاحظه میشود دین رسمی جعفری اثنی عشری است که "الی الابد غیر قابل تغییر است" و رسمیت دیگر مذاهب را تنها به "تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی" محدود کرده است. این امر آنگاه اهمیت بیشتری می یابد که در نظر داشته باشیم بسیاری از خلقهای غیر فارسی (کرد، بلوچ، ترکمن، عرب) از مسلمانان غیر شیعه می باشند (حدود ۱۱ میلیون نفر) با توجه باینکه رژیم کنونی سیاست نفی حقوق ملی خلقها را در پیش گرفته است، تصویب چنین قانونی که کاملاً ابعاد سیاسی به خود میگیرد، تشنج در مجلس "خبرگان" به هنگام بحث پیرامون این اصل و بدنبال آن نظرات گسترده مردم در زاهدان، کسکه علیرغم مخالفت با اصطلاح نماینده شان در مجلس صورت گرفت، بیانگر این امر است. این در حالی است که حضرات "خبرگان" خود گاه و بیگاه ناله و فغان بر میدهند که گویا این "عمال بیگانهگان" هستند که به اختلاف "شیعه و سنی" دامن میزنند! بدین - سان این "رطب خوردگان" که "منع رطب" میکنند، از این طریق میگویند بر انحصار طلبی و گونه نگری خود پرده سانساز میکنند. انحصار طلبی که میخواهند حاکمیت باد آورده خود را که برپایه سواستفاده از اعتقادات توده ها کسب کرده اند، بافید اینک "این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است" جاودانه کنند. آیت اله خمینی در

- اصل سیزدهم -

"خبرگان" اصل سیزدهم قانون اساسی را که حقوق دیگر اقلیت های مذهبی را نادیده میگیرد بشرح زیر تصویب رساندند: "ایرانیان زرتشتی - کلیسایی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند." این اصل علیرغم مخالفت های "تمایزنگان" پیروان این مذاهب، بتصویب رسید. "خبرگان" باین توجیهی ورد پیشنهادهایی که از طرف "تمایزنگان" آن مذهب داده شد، مهر تأیید بر اصلی گذاشتند که حتی انجام مراسم دینی شان را نیز "در حد و مقررات اسلامی" جایز دانسته است! اتخاذ چنین روشهای تنگ نظرانه از سوی هیات حاکمه و "خبرگانش" تنها در این زمینه خلاصه نمیشود، بلکه گوشه ای از سیاست واحدی است که در تمامی زمینه ها عمل میکنند.

روش کمونیستها در مقابل مذهب

روش کمونیستها در مقابل مذهب گسلاطلا روشن است. ما هرگونه تقسیم بنسندی و تبعیض بین افراد را بر مبنای مذهب بکلی مردود میدانیم. ما جداً به این گفته لنین - آموزگار طبقه کارگر معتقدیم که میگوید: همه - کس باید مطلقاً آزاد باشد تا به هر مذهبی که مایل است، یا هیچگونه مذهب، یعنی خدانشناسی که هر سوسیالیستی بعنوان یک قاعده چنین است، متعلق باشد. اینک "خبرگان" کوشیده اند که خط مایزی بین ادیان و مذاهب گوناگون

بکشند و از آن میان به یکی از آن مذاهب موقعیت جایگاهی ویژه به بخشند، و تازه مهر "الی الابد غیر قابل تغییر است" بر آن بکوبند، بدان علت است که "فخر معنای روحانیت" را در مسند "ممتازی" که بدست آورده است تثبیت کنند، و با جفت و بست های متعددی که در سر پای قانون اساسی کار گذاشته اند بانحصار خود در آورند. در اینجا مسئله اساسی همان قدرت سیاسی است که توجیهات مذهبی و تمسک به اکثریت داشتن این یا آن فرقه، و معیار قراردادنش تنها بمنابیه وسیله ای به منظور حفظ هرچه مطمئن تر این قدرت بکار گرفته میشود. در واقع اصل یازدهم قانون اساسی چیزی جز یکی از همین جفت و بست های متعدد نمی باشد.

ادامه دارد

دستگیری بخاطر پخش اعلامیه

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۱ آبان، توفلی نهدا رتهران به دعوت "انجمن اسلامی جنوب تهران" برای سخنرانی به گود "نادی" واقع در خیابان شهید هرندی (غار سابق) میرود. در اثنای سخنرانی چند نفر از حاضران متوجه میشوند که افراد کمیته - که به نگهبانی محل مشغول بودند - چند نفر را بجرم پخش اعلامیه دستگیر کرده و بیه کمیته برده اند. (۴) پس از پایان سخنرانی، اهالی که از این موضوع باخبر میشوند، با شعار بطرف کمیته بشراه می افتند. شعارها عبارت بودند از: برادر زندانی آزاد باید گردد، "مرگ بر سه مفسدین: ساواک، سیا، مرتجعین"، "مرگ بر ارتجاع" و ...

نظار کنندگان پس از رسیدن به محل کمیته در مقابل آن اجتماع کرده و دوباره شروع به شعار دادن میکنند. در اینجا یکی از پاسداران به مردم حمله ور شده و دیگری شروع به شیراندازی هوایی میکند. مردم ابتدا عقب می نشینند ولی دوباره جمع شده، شعار میدهند که بالاخره کمیته چی ها در اثر فشار مردم، مجبور به آزادی دستگیر شدگان میگرددند.

قبلاً نیز اعلامیه هایی به امضای "عده ای از اهالی دروازه غار" در منطقه پخش شده بود که مضمون آن افشاکاری در باره "ستوان محمد خوش جان" رئیس کمیته حاجی هرندی سرپرست کمیته بوده و از جمله گفته شده بود که وقتی ما موران کمیته میدان غبار پلاچهای مجاهدین خلق را ضبط کردند، مقدار زیادی از اسلحه های سکر را به فروش رسانده اند.

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

مصاحبه با یک صیاد مبارز بندر انزلی

- می گویند صبر انقلابی! داشته باشید، ۷ ماه است صیرانقلابی میکنم. کلی بد هکرم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم... ولی دیگه بچه من که صیر انقلابی سرش نمیشه.
- در حالیکه ما غیر ازدو پاروویک دونه قایق و چند تور ما هیگیری چیز دیگری نداریم که عدهای پاسدار بریزن با اسلحه ما را به رگبار ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت.
- سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه.

بی کتاب و بی قلم. من دیگه مسئول بیگ خانوادام... اما می بینیم پاسداران رودر روی ما قرار دارند. در حالیکه ما غیر از دیوار و یک دونه قایق و چند تور ما هیگیری چیز دیگری نداریم که یک عده پاسدار بریزن با اسلحه ما را به رگبار مسلسل ببندند... آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت. دولت وام بیکاری که تا حالا به ما نداد، شیلات هم که همون قانون طاغوتی رومی به رخ ما میکشه، در سمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم یکی از برادران ما ۱۰ سؤال مطرح کرد که شیلات حتی به یکیشون نتونست جواب بده.

س- میتونین بگین سئوالاتی که شد چه بود؟

ج- اولین سؤال این بود که شیلات به چه دلیل منطقی سالیان دراز ما صیادان زحمتکش را قاچاقچی معرفی کرده در حالیکه تمام ملت ایران میدانند که صیاد نه اسلحه ای داره، نه مواد مخدر حمل میکنه و نه اسلحه از کشور خارج وارد میکنه و چرا الان در عصر انقلاب هم داره باز همون کارهایی را میکنه که قبلا هم کرد بود. دولت پاسداران از تهران به بندر انزلی آورده و عملاً می بینیم که پاسداران می ریزند توی خونه بعضی صیادان و حتی نورشان را ضبط میکنند مثلاً توی یکی از برادران صیادان بنام "حسین آسوری" از ده "امین آباد" را به اتهام اینکه تور مال شیلات، ارزش گرفته اند.

س- غیر از اون خواسته هائی که گفتید، چه خواسته دیگری دارید؟

ج- سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه و دولت آنرا برسمیت بشناسه که در رابطه با اون ما بتونیم صیادان واقعی را بشناسیم و برای آنها کارت صادر کنیم و شرکتهای تعاونی بوجود بیاریم که هم وسایل صید و هم احتیاجات دیگر را ارزانتر بخریم.

س- آیا تا بحال به صیادان یا قایقهای آنها تیراندازی شده؟

ج- والله به کلیه قایقهای که مشغول صید باشند، تیراندازی میکنند، هم تودود - خانه و هم تودریا، همین هدی بیش دست یکی را با تیر زدن و یکی دیگر از برادران صیادان هم در جالوس بشهادت رسید. چندین قایق را هم ضبط کرده اند. که هنوز در شیلات است.

از این دریا بهره برداری کنیم ولی شیلات فقط ۵ ماهه آزاد اعلام میکنه که با در نظر گرفتن روزهای که دریا طوفانی است و نیشه کار کرد، عملاً میتونیم بگیم که جمعاً سه ماه کار داریم. قانون ۵ ماه صید در سال فانسون محمد رضا شاهیه که به زور سرریزه درست شده. اگر دریا نباشه هم خود صیاد مرده است وهم خانواده اش. اگه صیاد نتونه دو تا ماهی بگیره بیاره خونه، با باید از دیوار مردم بالا بره یا باید بره بساط تریاک راه بیاندازه و یا به قاچاق هروئین بیردازه. مقامات مسئول باید بیان بینن که آیا تا سال ۱۳۴۳ صید در دریای خزر آزاد بوده یا نه؟ پس اگر به چنین نتیجه ای رسیدن که صید تا آن موقع آزاد بوده. دیگر چرا این قانون تحمیلی را باز جلوی ما میدارن؟

س- اگر به خواسته های شما ترتیب اثر نندن، شما چکار می کنید؟

ج- ما می ریزیم تودریا، ما کاربون فقط صیادیه، نه زمین زروعی داریم و نه هیچ کار دیگری. من خودم ماهی ۶۰۰ تومان گرایه خانه میدم. میگویند انقلاب شده صیر انقلابی!! داشته باشید، ۷ ماه است صیر انقلابی می کنیم، کلی هم بد هکرم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم، بتونم بد هی ام را بد هم، ولی دیگه بچه من که صیر انقلابی سرش نمیشه. اون که نمیتونه هم گرسه سانه هم



صیادان زحمتکش در تلاش بی گبر...

آنچه در زیر میخوانید، متن خلاصه شده ای از مصاحبه می باشد:

س- الان چه تعداد صیاد آزاد وجود دارد که هیچ شغل دیگری ندارند؟
ج- از آستارا تا بندر ترکمن صیاد آزاد خیلی زیاده، حدوداً بیش از ده هزار نفره ولی در مصاحبه ای که در رادپولتویزیون بعمل آوردند، گفتند که صیاد به اون تعداد موجود نیست در صورتیکه در سمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم، ۳ تا ۴ هزار نفر آمده بودند، با توجه به اینکه بقیه یا اطلاعی نداشتند و یا محلسون دور بود و نتونسته بودند بیسان اینجا.

س- به چه ترتیب صیادها در شرکت تعاونی استثمار میشن؟

ج- صیادها از محل زندگی و کاشانه خود دور میشن، میرن در سواحل مازندران و گیلان مستقر میشن و شروع به صید میکنند. اگه این صیادها ماهی زیاد گرفتن و صیدشان خوب شد، شیلات در مقابل اون پولی بهشان پرداخت میکنه، اگه (ماهی) نگرفتن، باید گرسنه بجاوبند حتی عائله شان هم باید گرسنه بجاوبند و شیلات هیچگونه کمکی به صیادان نمی کند. ما صیادان آزاد ۱۵ سال با رژیم گذشته دست به گریبان بودیم و جنگیدیم. ما صیادان ۱۵ سال انقلاب کردیم و با این ظلم و ستم طاغوت جنگیدیم. انقلاب فقط به این نسکن که آدم بره گوشه زندان بخوابه یا آدمو در محبس بکنن، ما خون دادیم، ما کشته دادیم، ما الان معلول داریم که دست نداره، با نداره، خانواده بسی سرپرست داره. ما کشته دادیم، آنقدر کشته دادیم تو این دریا بدنی صیادها غرق می شدن - وقتی زاندارم با اسلحه کنار دریا و می ایستاد، صیاد نمی تونست به ساحل، در نتیجه قایقش چپ شده همانجا ترق میشد... این شیلات ۱۵ سال به ما ظلم کرد. حتی اون زمان افسری بود که یکی از دوستانمون کشت و پای یکی دیگر را برید که الان هیچ امرار معاش ندارد... از سال ۴۳ (۲) تا به این تاریخ همین شیلات تورهای ما هیگیری ما را جمع میکرد و بنام قاچاقچی به آتش می کشید، قایقها مونو ضبط می کرد و نگه میداشت تا می پوسید و از بین میرفت و جنی صیادان را به دادگاه میفرستاد و اونجا صیاد باید میرفت و ۵۰۱ تومان جریمه می داد.

س- آیا در حال حاضر شما حاضرید با شرکت تعاونی شیلات همکاری کنید یعنی عضو شرکت بشین؟

ج- ما زمانی حاضر به همکاری در شرکت تعاونی شیلات هستیم که شیلات حقوق ثابت بمانده، ما روبره استخدام خودش در بیاره بیمه داشته باشیم، بازنشستگی داشته باشیم، مسکن و بهداشت داشته باشیم. چون هر نوع صیدی یک فصل مشخص داره ما میتونیم مرتب

(۱) - اسم این صیاد زحمتکش محفوظ است.
(۲) - صید ماهی تا سال ۱۳۴۳ در دریای خزر آزاد بود.

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟ (۲) نقدی بر مواضع چریکهای فدائیان خلق

۳- چریکهای فدائیان خلق و احزاب بورژوائی

تظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی

از آنجا که سازمان چریکهای فدائیان خلق تاکنون طی یک مبارزه ایدئولوژیک جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزینی که سر حرکت گذشته سازمان ج. ف. خ. اغالب بود مرز بندی قاطع و روشنی ننموده اند. هم اینک علیرغم تنبیراتی در نظرات و عملکردها یثان نسبت بگذشته، ما تا هتظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی در مواضع و سیاستهای س. ج. ف. خ. هستیم.

طوبه های این ناپایداری و تزلزل ایدئولوژیک در برخورد به قدرت سیاسی، برخورد به جنبش کارگری و محتوای تبلیغ و ترویج، برخورد به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی، برخورد به ریزسوسیسم و سوسیال امپریالیسم و... بروز آنکار یافته است.

این برخورد متزلزل و ناپایداری نسبت به مارکسیسم لنینیسم ضرورتاً به مفهوم در خدمت ایدئولوژی بورژوائی قرار گرفتن است. ما در اینجا ابتدا با مروری کلی و بسیار مختصر بر مواضع و نظرات سازمان ج. ف. خ. طی چند سال اخیر پرداخته و طوبه های تا دوام عملکرد هسته تفکر و نظرات گذشته را در سیاستها و مواضع کنونی این رفقا نسبت به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی و... مورد بررسی انتقادی قرار می دهیم.

سازمان چریکهای فدائیان خلق از بسدو پیدایش، گرچه خود را مارکسیست - لنینیست می دانست ولی فاقد بینش طبقاتی پرولتری و برنامه و روشی مارکسیستی لنینیستی بوده است. طی دوران رکود جنبش توده های ایران سازمان از اساسی ترین وظایف مارکسیست لنینیستها یعنی سر تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراتیک، پرورش سیاسی و متما یز کردن پرو- لتاریا، توضیح ماهیت مناسبات طبقاتی اجتماع برای پرولتاریا و ترویج ایده های اساسی مارکسیسم - لنینیسم در انقلاب دموکراتیک و... (اینکه تنها پرولتاریا رزمنده تا به آخر استوار آراء دموکراسی و استقلال بوده و تنها در صورتی که بصورت یک طبقه متشکل شده و دارای حزب رزمنده خود باشد میتواند رهبری انقلاب دموکراتیک را بپذیرد گرفته، خیانت بورژوازی و تزلزل خرده بورژوازی را خنثی کرده و انقلاب دموکراتیک را به انقلاب سوسیالیستی تبدیل نماید)، سرپا زنده و حتی چنین سیاستی را تفرقه در صفوف خلق حساب می آورد، لذا از لحاظ سیاست عملی با مخدوش نمودن موقعیت طبقاتی در انقلاب دموکراتیک نهدر مواضع

پرولتری بلکه در موضع تمام خلقی خرده - بورژوائی قرار داشت. نتیجه این سیاست چیزی جز تبدیل پرولتاریا به زاده بورژوازی و محروم کردن پرولتاریا از شعور طبقاتی و سیاست مستقل نیست.

رفیق بیژن جزینی یکی از تنوریسینهای خط مشی چریکی که نظرات وی بگذشته از حرکت سازمان ج. ف. خ. را هدایت میکرد، در رساله ای تحت عنوان "تحلیل موقعیت نیروهای

باید خود را متما یز نگاه دارد. زیرا فقط اوست که تاملحظه اجر دشمن ثابت قدم و مسلم حکومت مطلقه خواهد بود، فقط بیژن او حکومت مطلقه است که صلح و مصالحه امکان پذیر نیست.

تفاوت دودیدگاه را ببینید! یکی می - گوید که در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه پرولتاریا باید خود را متما یز نگاه دارد چه فقط او دشمن نابعد استوار این حکومت است و دیگری می - خواهد از طریق مبارزه (نابیکبر و متزلزل) خرده بورژوازی، پرولتاریا را به میدان مبارزه

بدلیل عدم مرز بندی جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده - بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزینی، علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها نسبت به گذشته ما شاهد تظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در س. ج. ف. خ. هستیم.

انقلابی ایران" از انتشارات س. ج. ف. خ. در مورد خرده بورژوازی می گوید: "تنها به این دلیل که این نیروها بخشی از نیروی خلقند می باشند آنان را به شکل و مبارزه در صفوف جنبش رها نمی کنند در جناح تحت رهبری طبقه کارگر قرار خواهد. بلکه به این دلیل که ایسن نیروها امروز آماده ترند و با توجیل به مبارزه آنهاست که باید تنوذهای زحمتکش را بسیج کرد." (ناکاید زماست). لنین در کتاب وظایف سوسیال دموکراتهای روس می نویسد:

"پرولتاریا در مبارزه اقصادی (مبارزه بر علیه سرمایه داران) کاملاً تنها بوده و در آن واحد هم با اشراف مالک و هم با بورژوازی روسیست و فقط از کمک آن عناصری از خرده بورژوازی برخوردار است (و آنها هم همیشه بلکه بندرت) که سمت پرولتاریا گرایش دارند. و حال آنکه در مبارزه دموی- کراتیک یعنی در مبارزه سیاسی، طبقه کارگر روس تنها نیست. جمیع عناصر مخالف سیاسی، قشرهای اهالی و طبقات در ردیف وی قرار می گیرند... طبیعتاً این سوال پیش می آید که طبقه کارگر چه روشی را باید نسبت به این عناصر اتخاذ نماید؟ و پس آنها نباید برای یک مبارزه عمومی بر ضد حکومت مطلقه، به آنها بپیوستند؟"

لنین به سوال دوم چنین پاسخ می دهد:

"سوسیال دموکراتها ضمن اینکه به همبستگی دستجات گوناگون مخالف حکومت مطلقه با کارگران اشاره می نمایند، همواره کارگران را متما یز نخواهند نمود. همسوار و جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد، همواره مجزا بودن طبقاتی پرولتاریا را که نردا ممکن است در جنبه مخالف متفقین امروزی خود قرار گیرد، خاطر نشان خواهند کرد."

و بحث را چنین ادامه می دهد:

"در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه طبقه کارگر

بکشاند. لنین می گوید:

"مطلوب نمودن مفهوم مبارزه خرده بورژو- آزی که هدف آن انقلابی مدمومکراتیک است با مبارزه پرولتاریا که هدف آن انقلاب سوسیالیستی است، سوسیالیستهارا به ورعکتگی سیاسی تهدید می نماید." (دو تاکتیک...)

رفیق جزینی در رساله "چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود" می گوید: "... روش- نگران نسبت آگاهی خود اما دکی بینشگری داشته و چون جنبش ایران برای آغاز حرکت کمک میگیرد، بهمین دلیل در مرحله فعلی نیروی آماده و بالقوه جنبش مسلحانه را بطور عمده روشنفکران انقلابی (روشنفکران با کد ام موضع طبقاتی؟) که اساساً متما یز طبقاتی آنان قشرهای پائینی و میانی خرده بورژوازی است تشکیل می دهد."

مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده کسبه قریباً ۱۰ سال بر سازمان ج. ف. خ. حاکم بود. منطبق با همین بینش غیر پرولتری "تکشان دادن" پرولتاریا بوسیله نیروهای "بالفعل" جنبش بوده است.

بر طبق دیدگاه حاکم برس ج. ف. خ. طی سالهای گذشته عمل مشترک با خرده بورژوازی بمعنی سکوت کامل در قبال ماهیت طبقاتی آن می باشد و مبارزه طبقاتی باید مبتنی بر "عرف" و "ضوابط منطقی" باشد: "عناصری که مضمون حرکاتشان سک اندازی و توطئه چینی در راه شکل نیروهای وابسته به خرده بورژوازی را دیکال بوده است، خیال کرده اند که با زیربناهای "عرف" موجود (منظور نویسنده چیزی جز روشهای متقابل سیاسی ایدئولوژیک نیست) و ضوابط منطقی (چه مبارزه طبقاتی با نزاکتی!!) در روابط بین جناحهای مختلف جنبش خلق می توان سهم پرولتاریا را در جنبش خلق افزایش داد." (رساله "وظایف اساسی

در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه طبقه کارگر

مارکسیست - لنینیستها... "از زمان ج. ف. س. (۱۰) .

رساله "وظایف اساسی مارکسیست - لنینیستها... در جای دیگری مکتوب: "باید بروحیت منافع همه طبقات خلق که در ناسودی سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک (با رهبری کدام طبقه و از چه نوع؟) نهفته است، راهبای همکاری و اتحاد همه طبقات خلق راهموارو هموارتر کرد." (وظایف اساسی... قسمت دوم)

و با درجای دیگر در تحمید از خرده بورژوازی می گوید: "خرده بورژوازی صورت نیرویی نظمی میکند که در مبارزه با امپریالیسم از ناطعیت و پیگیری برخوردار است." (همانجا).

و با زدر همانجا "... بدین سبب برخلاف دوام کلاسیک (۱۱) این جنبش باید مورد توجه حامی کمونیستها قرار گیرد."

چنین است که نشان دادن پرنسپ پروولتری منی چریکهای فدایی خلق را به انواع گرایش های اپورتونیستی (اگرچه حسن نیت در آن نهفته باشد) آلوده می سازد.

به گفته ای از االبانفسکی یکی از نظریه پردازان تزار تاجایی راه رشد غیر سرمایه داری نکاهی بیفکنیم و آن را با مجموع تقل قولهایی که از تئوریستهای منی چریکی نقل گردیدیم مقایسه کنیم:

"شرکت قشرهای معینی از بورژوازی ملی در قدرت سیاسی دارای علل مختلفی است. شرکت این قشرها فقط از آن جهت نیست که این قشرها در اختلاف با نیروهای دموکرات و ضد امپریالیستی شرکت دارند و در مرحله معین تاریخی به پیشروی در راه ترقی اجتماعی ذبلا فله اند. این قشرها از نظریه سیاسی، اید - شولوزیک، سازمانی و اقتصادی از قشرهای دیگر برای زندگی سیاسی فعال و شرکت در حاکمیت سیاسی آماده ترند" (راه رشد غیر سرمایه داری، دو مقاله از االبانفسکی)

و جای تعجب است که حتی االبانفسکی (تئوریستین اردوی سوسیال امپریالیسم) در چند سطر بعد نا بایاداری و تضاد را خطیست نما بینندگان و روشنگر خرده بورژوازی را دیکال میدانند ولی چریکهای فدایی خلق از ناطعیت و پیگیری خرده بورژوازی و وطنی سخن میگویند! در اینجا چریکهای فدایی تفاهم طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کرده و بجای افشای ناپیگیری و تزلزل خرده بورژوازی آن را نیرویی قلمداد میکنند که از ناطعیت و پیگیری برخوردار است. اگر رهبری انقلاب دموکراتیک با خرده بورژوازی را دیکال باشد، اشکالی ندارد فقط: "اگر گروههای مرفه خرده بورژوازی که دارای دیدگاههای محافظه کارانه و ضد کارگری هستند، رهبری مبارزات را بدست گیرند می - توانند (نازده در این هم جای شک هست!!) وحدت نیروهای خلق را در اوج اشکال (فقط اشکال) سازند. (تاکید از ما ست، وظایف اساسی...)

از رهبری پروولتاریا سخنی هم در میان نیست، افشای تزلزل خرده بورژوازی "عسرف

موجود و ضوابط منطقی در جناحهای مختلف خلق را زیر پا خواهد گذاشت. از نظر چریکهای فدایی اتحاد با نیروهای خرده بورژوازی همیشه به مفهوم سکوت کامل در مقابل تزلزل و ناپیگیری خرده بورژوازی و دادن امتیازات ایدئولوژیک بوده است. سکوت کامل چریکهای فدایی در مقابل سازشکاری مجاهدین خلق و سایر نیروها - های چپ خرده بورژوازی در مرحله کنونی نیز نشان میدهد، همین انحراف اصولی انسان از موضع مارکسیستی - لنینیستی است.

۴) س. ج. ف. س. و رو بیونیستها در باره "نوع برخورد س. ج. ف. س. با جریانات رو بیونیستی باید گفت چگونه می - توان انتظار رمز بندی قاطعانه با رو بیونیسم از کسانی را داشت که خود دستخوش

انحرافات اصولی از مارکسیسم - لنینیسم بوده و دچار گرایشات اپورتونیستی و تجدیدنظر طلبانه هستند. صرف نظر کردن از ایده رهبری پروولتاریا در انقلاب دموکراتیک، مقید دانستن مبارزه طبقاتی به "عرف" و "ضوابط منطقی" و صرف نظر کردن از شعار سیاست مستقل پروولتری در انقلاب دموکراتیک راه را برای بورژوا نواع گرایشات رو بیونیستی و سازش با آنها باز می - گذارد. مواضع س. ج. ف. س. در مورد سوسیال امپریالیسم شوروی و حزب توده نشان میدهد، تزلزل و ناپایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی ای و سازش با رو بیونیسم می باشد. س. ج. ف. س. از ظرفی رهبری حزب توده و دولت شوروی رو بیونیستی می دانند و از طرف دیگر شوروی را یک کشور سوسیالیستی قلمداد می کنند. اگر رو بیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و اگر رو بیونیسم بیش از دوده است که در حزب و دولت شوروی تسلط یافته و در سیاست داخلی و خارجی نقش تعیین کننده پیدا نموده، چگونه میتوان آن را یک کشور سوسیالیستی بحساب آورد. روشن است که وقتی شوروی را یک کشور سوسیالیستی بحساب آوریم، نمی توانیم در مورد حزب و جریانات وابسته به آن نیز دید - گاه درستی داشته باشیم، روزنامه کار ۲۲ ارگان س. ج. ف. س. در باره حزب توده می - گوید: "نوسانات موجود در حرکت حزب توده ناشی از فرمت طلسمی سیاست با زانه، توده پهبایی است که شان را به نرخ روز می خورند و اسمش را با "تحریکی" و "بختگی" می گذارند. از این نظر حزب توده ایران، جزئی که استخوان بندی آنرا انحن منقاصه کاران خیره تشکیل میدهد، دارای هویت ثابت و جا افتاده ای است. لذا در هر مورد خاص در آینده در از زهدت از قبل می توان در باره - فت که مینا و محور حرکت توده پهبایمان سیاست لیبیرالی است." س. ج. ف. س. این چنین خیانتست - پیشگی حزب توده و اخلالگری آنرا در جنبش کارگری و وابستگی آن به سوسیال امپریالیسم

شوروی را تا حددا شدن یک سیاست لیبیرالیستی کا هنی میدهد. این ضمنه نشان میدهد که س. ج. ف. س. در باره حزب توده هیچگاه از موضع اصولی و رمز بندی قاطعانه با رو بیونیسم که خود مستلزم شناخت سوسیال امپریالیسم شوروی میباشد صورت نگرفته و به مشتی شعار خلاصه میشده است. نشان دیدگاه، بر نامه و سیاست پروولتری در مورد نیز س. ج. ف. س. را بطرح شعارهای لیبیرالی که بدون شبات به بعضی مواضع حزب توده نبوده است، کنا نده است. شعار "مرگ بر شاه دیکتاتور و احیای امپریالیسم لیبستش" که در واقع مضمون اصلی انقلاب دوم کرا تیک و ضد امپریالیستی را مخدوش نموده و دیکتاتوری شاه را از پایگاه طبقاتی یعنی بورژوازی وابسته به امپریالیسم جدا میسازد و

● **بهنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ این سازمان نه تنها بر نامه پروولتری ارائه نداد، بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعار خرده بورژوازی "برقرار باد حاکمیت خلق" به دنباله روی از خرده بورژوازی افتاد.**

عملا همان شعار "حبه" واحد ضد دیکتاتوری حزب توده را تبلیغ میکند. بیژن جزئی در رساله "بر دبا دیکتاتوری جنبش می گوید: "بنا بر ما جنبش حاکم مرحله ای است از جنبش رهائش خلق، با شعار استرا تیک مبارزه با دیکتاتوری شاه مشخص می شود. همان رساله در جای دیگری گوید: "در حال حاضر طرح کردن شعارهای انقلاب دموکراتیک توده ای نمیتواند خلق را زیر رهبری طبقه کارگر متحد سازد. با رساله وظایف اساسی می گوید: "طرح این شعارها صورت تبلیغی در مرحله کنونی تنها به تشدید تضاد میان جریانهای غیر پروولتری با جنبش کارگری منجر خواهد شد."

۵) سیاست س. ج. ف. س. هنگام برآمد جنبش توده ای

سیاست دنباله روانه س. ج. ف. س. تنها به دوران رکود جنبش توده ای که وظیفه مبار - کسیت لنینیستها در هله اول بیدار کردن توده ها بوده است مربوط نمی شود، بلکه به هنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ هنگامیکه بورژوازی لیبیرال آنکارا در مسیر سازش با امپریالیسم و استبداد سلطنتی کام برمی - داشت س. ج. ف. س. نه تنها فعالانه در افشای خیانت پیشگی بورژوازی لیبیرال کام برمی - داشت بلکه خود با عدم ارائه بر نامه پروولتری در انقلاب دموکراتیک به دنباله روی از بورژوازی برداخت. این سازمان نه تنها بر نامه پروولتری ارائه نداد بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعار خرده بورژوازی "برقرار باد حاکمیت خلق" و با موضع گیری در برابر پروولتاریا که شعار "جمهوری دموکراتیک خلق" را مطرح می ساختند، دنباله روی طبقاتی خود را به کمال رساند. رساله "وظایف اساسی" می گوید: "نتیجه قطعی و طبیعی طرح و تبلیغ



این نما رهای پیش رس درجیش بوده ای نظیر به میزان آمادگی و توان و سازمان یافتگی نیروهای ذخیره آن، حداکثر منفرجه شدن و جدا افتادن طراحان این نما رها از نیروی رشد جنبش خلق و حداقل هرز رفتن نیروها با تکرار توخالی این نما رهاست. (نقل از وظایف اساسی ...) رساله سپس با آوردن نقل قولی از لنین که میگوید:

"فقط اشخاصی کاملاً جاهل ممکن است جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک را که در حال عملی شدن است از نظر دوردارند، فقط حوسنیان کاملاً ساده لوح ممکن است این موضوع را فراموش کنند که درجه انقلاب بوده کارگزاران سوسیالیسم و شیوه های اجرای آن غرضاً چه اندازه کم است ... " این ایده را تلقین میکنند که شعار جمهوری دموکراتیک مربوط به مرحله انقلاب سوسیالیستی و مرحله ای است که "درجه اطلاع" بوده، کارگزاران سوسیالیسم "بالا" باشد. این تحریف مفروضه و آشکاری است. لنین در همان کتاب "دوتا کتیک ... " برای انقلاب دموکراتیک روسیه شعار "دیکتاتور بورژوازی دموکراتیک" را می دهد و مطالب بالا را در پاسخ آن کسانی می گوید که معتقدند این شعار به مرحله انقلاب دموکراتیک بورژوازی تحول دموکراتیک "جنبه همین برخوردار است. ج. ف. خ. با انقلاب دموکراتیک نشان میدهد که "میزان یا لنینیسم" اما دگی و تشکل طبقه کارگر "بها نه ای بیسی نیست و اصولاً س. ج. ف. خ. در عمل اعتقاد به رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک ندارد. کمونیستها با صرف نظر کردن از اصول و با سازش طبقاتی نمی توانند آگاهی و تشکل پرولتاریا را بالا ببرند، بلکه فقط با طرح شعارهای اصولی خود و ترویج آن در میان پرولتاریا است که میتوان نشان این کار را بکنند. لنین می گوید:

"حال که مردم از دولت جدا شده اند و نه به لزوم استقرار نظم جدید پی برده است حزبی که هدف و منظور خود را سرنگون ساختن حکومت قرار داده است تاگزیر باید در فکر این باشد که چگونه حکومتی را جایگزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود بنماید. (دوتا کتیک ...)

"نیروی که قادر است به پیروزی قطعی بر تزاریم نایل گردد فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند، در صورتیکه نیروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود و خود بورژوازی دهوشهر (که ایماز "مردم" هستند) پس این و آن تقسیم گردد پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریم عارضت از استقرار دیکتاتور انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان" (لنین، همانجا، تاکید از ماست)، کسی با لنین ترمی گوید:

"حال احتمال این پیروزی تا چه درجه ای است مسئله ای است جدا گانه، در این مورد ما هیچ وجه طرفدار خوشبینی غیر عملاکسی

نیستیم، ما هیچ وجه دشواری عظیم این وظیفه را فراموش نمی کنیم. ولی وقتی به مبارزه اقدام می نمائیم، باید خواهان پیروزی باشیم و بتوانیم راه واقعی و اصولی را نشان دهیم. (لنین، همانجا، تاکید از ماست)

"اگر این نیروها کفایت نکرد در این صورت تزاریم موفق به بندوبست خواهد شد ... در چنین صورتی کار به مشروطه، ناص و سر و دم بریده و با حتی - در بدترین حالات - به مغزه، مشروطه ختم خواهد شد. (لنین، همانجا)

خواهد شد، بلکه لیبرالیسم موجود در تفکر و سیاست سازمان همچنان ادامه خواهد یافت. رساله "پاسخ به مصاحبه رفیق اشرف - دهقانی" از آخرین انتشارات س. ج. ف. خ. نشان داد که چریکهای فدایی خلق نداشتند در صد نفی کامل دیدگاه و سیاست غیر پرولتاری گذشته، خود نیستند بلکه می خواهند با آرایش و توجیه آن، جوهر اندیشه های غیر پرولتاری گذشته را حفظ کنند. این رساله سعی دارد در ضمن پاسخگویی به نظرات "رفیق اشرف دهقانی" تا آنجا که امکان دارد حجم بیشتری از گذشته را نجات دهد. رساله، نظریات رفیق احمد زاده

● موضع پراگماتیستی س. ج. ف. خ.، در مورد "دولت موقت" مبنی بر تاخیر کارهای درست و انتقاد از کارهای غلط! ادامه سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است.

● رفقای فدائی در برخورد به نظرات رفیق "اشرف دهقانی" سعی دارند، حجم بیشتری از گذشته را نجات دهند و نظرات رفیق احمد زاده را مربوط به "یک دوره" و نظرات کنونی سازمان را هم مربوط به "دوره نوین" ارزیابی نمایند.

لنین وظایف سوسیال دموکراتها را در موقعیت انقلابی، هنگامیکه همه طبقات از انقلاب محبت می کنند چنین توصیف میکنند: "آقایان! شما با زنده اند انقلاب را بر سر می شناسد تا بدین وسیله با خطر کمتری از این انقلاب بفرج خود استفاده نمایند و به آن خیانت ورزند. وظیفه ما اکنون این است که به پرولتاریا و به تمام مردم نشان دهیم که شعار "انقلاب" کافی نیست و باید مضمون واقعی انقلاب بطور روشن، صریح، بیکیروقطعی تعریف شود اما این تعریف شامل یگانگی شعار است که میتوانست پیروزی قطعی انقلاب را بطرز صحیحی بیان کند و آن شعار دیکتاتور انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان است. (لنین، همانجا)

★ ★ ★

موضع پراگماتیستی س. ج. ف. خ. در مورد "دولت موقت" مبنی بر تاخیر کارهای درست و انتقاد از کارهای غلط آن! ادامه همین سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است. ممکن است به ما انتقاد شود که در ایندولت و سیاست عملی س. ج. ف. خ. تحولاتی انجام گرفت و مضمون گذشته از طرف سازمان "عملاً" به کناری نهاده شده و در نوشته های متعدد سازمان بطور صریح و غیر صریح مورد نقد قرار گرفته است. و اصولاً مادام که س. ج. ف. خ. طی یک مبارزه ایدئولوژیک از موضع پرولتاریا و اصولی بمواضع گذشته خود نسبت به مبارزه طبقاتی، موضعیت طبقاتی در انقلاب دموکراتیک، مضمون انقلاب دموکراتیک سبک و ... خط بطلان نکشید و اعلام نظرات جدید را بصراحت همراه با رد و نفی مارکسیستی - لنینیستی نظرات گذشته و مرز بندی قاطع و روشن نسبت به گذشته انجام ندهد و بداند، بنده تنها این مواضع، مواضع رسمی سازمان تلقی

را متعلق به یک "دوره" و نظریات کنونی سازمان را متعلق به "دوره نوین" جنبش کمونیستی میداند (ولاجرم در شرایط دیگر حتماً اصول دیگری لازم خواهد آمد). رساله با این "دوره بندی" اصول مارکسیسم - لنینیسم را تا حد انطباق آن با دوره ها با بین می آورد: "اما آنچه را که در اینجا باید مورد توجه قرار دهیم و از پیش روشن سازیم اینست که بیینیم رفیق مسعود احمدزاده جزوه خود را در چه شرایط مشخص نوشته و رفیق اشرف در چه دورانی دارد سخن می گوید" (ص ۳، تاکید از ماست)

رساله در باب اینکه چه کسی وارث حقیقی رزم رفیق مسعود است، می نویسد: "امروز رفیق اشرف دهقانی و رفقای مدعی آن هستند که وارث حقیقی رزم رفیق مسعود و دیگر رفقای آن دوره هستند. ما در پاسخ می گوئیم وارث حقیقی دیالکتیک هگل در نتیجه دوم قرن نوزدهم دیگر طرفداران هگل در همان زمان نبودند. اما ما اصیل بودن رانه در درجاردن و عقیم ماندن که رشد کردن و برخورد دیالکتیکی کردن با سیستم اندیشگی خود در گذشته می دانیم. آیا این خود رفیق مسعود نیست که در سراسر اثرش با دکماتیمس می جنگد و به نقل از سیره از ما می خواند که "تابع سختگیرهای دیالکتیکی زمینی باشیم؟" (همانجا ص ۵)

س. ج. ف. خ. خود را وارث حقیقی رزم رفیق احمدزاده می داند و مهمترین همه نظریات غیر مارکسیستی - لنینیستی رفیق احمدزاده و نفی اصول عام مارکسیستی توسط وی را جنگ با دکماتیمس قلمداد می کند و "تابع سختگیری های دیالکتیکی زمینی بودن" در رابطه با اصول عام مارکسیستی را که رفیق احمدزاده در دفاع از نظریات دیره بیان کرده، به معنی برخورد دیالکتیکی جا می زند. حال به استراتژی بقیه در صفحه ۱۳

“ولایت فقیه” گشادترین کلاهی که بسرمردم ایران می‌رود! (۵)

نگاهی به موضع گیری سازمان مجاهدین خلق ایران در مورد اصل ولایت فقیه

ایستادگی کرده و هیچ (براستی هیچ) فریضی برای برآوردن آن جریان انحرافی طرح شده، از دست نداده، بر خلاف ادعای خود، (مجاهد شماره ۹) گناه کهنه باد دادن را، سود همیشگی خویش قرار داده اند. تا با این دستاویز بر صفتهای خود برده بنا نکنند.

اما بیستم چگونه مجاهدین در فعال موضوع بسیار مهم “ولایت فقیه”، وضعی مبهم و دوپهلوی - آنهم بعد از بیست و یک سال -

عنوان یک سازمان زنده و فعال سیاسی اینقدر در بیان موضع خود برای مردم تاخیر کرده اند، آنها که “سکوت مقامات مجلس خیرگان” در مورد ضرب و شتم خبرنگار “مجاهد” را بدستی بمعنی تأیید اقدام پاسداران مجلس تلقی میکنند (مجاهد شماره ۷) اما انتظار دارند مردم سکوت آنها در

در قسمتهای پیشین این بحث، به شرح مفهوم ولایت فقیه، آثار و عواقب آن و موضع گیری نیروهای سیاسی در قبال آن پرداختیم. در رابطه با این نیروها موضع لیدررال ها و حزب توده را در شماره ۲۷ “پیکار” مورد بحث قرار دادیم و اینسک موضع نیروهای دموکرات مذهبی را بررسی می کنیم! در رابطه با دموکراتهای مذهبی مناسب ترین نمونه موضع سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است دموکرات با سوابق انقلابی که موضع گیری های آن میتواند بخی قابل توجهی از اقتاری که این سازمان نخباندگی سیاسی - ایدئولوژیک آثار آنرا به عهده دارد تحت

تاثیر قرار داده، رهنمون باشد. بنابراین -

این موضع گیری این سازمان در قبال اصل “ولایت فقیه” - اصلی که در کل قانون اساسی مجلس “خیرگان” جنبه محوری و کلیدی دارد و بر تمامی اصول آن سایه افکنده است - از اهمیت تعیین کننده ای در رابطه با کل مواضع این سازمان و میزان دموکراتیسم آن - برخوردار است و بسبب این اندازه نیز میتواند در گسترش یا محدود کردن آگاهیهای عمومی موثر باشد اکنون بیستم سازمان مجاهدین خلق در باره اصل ولایت فقیه چه موضعی داشته است. اصل ولایت فقیه، با اینکه از نظر

نشر ممتاز روحانیت هدف نهایی حکومت بود اما نه در پیش نویس اول قانون اساسی و نه در دومی طرح شده بود به این دلیل که در تدرین پیش نویس قانون اساسی روحانیت نقش کمتری داشت و همین طور در آن زمان یعنی ماه های اول بعد از سقوط شاه - جو انقلابی و انتظارات عامه مردم از حکومت برای طرح چنین مسئله ای مناسب نبود و لذا آنرا به بعد، وقتی که با اصلاح خردشان از بل گذشت و انتخابات با بیصلاح آزاد مجلس “خیرگان” هم سیری شد، موکول کردند. بهر حال همواره با بحثهای داغ موافق و مخالف (فقط کاری به پایگاه این مخالفت - ها نداریم) در سطح جامعه - که کمونیستها در بیست و یک سال پیشین چنین اصل ندد دموکراتیک و ارتجاعی بوده هستند، سرانجام پس از بحثهای شمار آفریزی که در مجلس خیرگان صورت گرفت این اصل در ۲۲ شهریور ۵۸ تصویب گردید. اما مجاهدین خلق ایران در ۳۰ مهر (مجاهد شماره ۷) یعنی متجاوز از یک ماه پس از آن، موضع مبهم و دوپهلوی خود، راجع به ولایت فقیه را اعلام کردند (به کذب و تعلیت این موضع در سطوح آید، خواهیم رسید) بی آنکه بکوشد چرا بسبب

موضعی مبهم و دوپهلوی، آنهم پس از گذشت مدتی بیش از یک ماه.

● مجاهدین از یک طرف با تعریفی که از فقیه می کنند کسی را نمی توان فقیه نامید و از جانب دیگر به “روحانیت مبارز” متوسل شده می پرسند: “ شما چگونه می توانید تضمین کنید که از اینگونه ولایت فقیه، استبداد و انحصار طلبی بیرون نیاید؟! ”

میگیرند، موضعی که آنها را جز کسانی قرار میدهد که بقول خودشان می توان آن - ها را “مخالصین شرمگین” ولایت فقیه نامید در مجاهد شماره ۷ آنجا که خواسته اند موضع خود راجع به ولایت فقیه را روشن کنند پس از یک بحث طولانی راجع به کلمه “فقیه” مینویسند: “اگر کسی واقعاً در اسلام فقیه نباشد جوهر اصول و احکام این ایدئولوژی را عمیقاً درک نکرده و به هدف احکام

واقف نباشد، حتی همین امروز نیز از بردگی و مالکیت خصوصی ابزار جمعی تولید دفاع خواهد کرد. با این حساب و با این تفهیمی” که مجاهدین از اسلام برای خود قائلند آیا آیت اله خمینی را “فقیه” میدانند؟ مسلماً نه زیرا ایشان هرگز نه تنها احکام مترتب به بردگی و مالکیت خصوصی را زیر سؤال قرار نداده اند بلکه در مسئله ۷۱۰ رساله توضیح المسائل ص ۳۴۴ بر اساس قبول تبار بردگی، فتوایی را (مبنی بر آزاد کردن بنده) میدهند (همانطور که در کلیه حوره های علوم دینی یکی از بحثهای فقهی که تدریس میشود بحث مربوط به “تکاح آق” یعنی ازدواج با کنیز است که با ازدواج با فرد آزاد یعنی غیر برده فرق دارد) در مورد نظر آیت اله خمینی راجع به مالکیت خصوصی هم مراجعه کنید به سخنان ایشان خطاب به صاحبان صنایع (پیکار شماره ۱۲) آنجا که تاکید میکنند اینجا ملکیت اسلامی است نه کمونیستی و تنها این مسئله را به برنامه داران متذکر میگردند که “قدری” رعایت حال کارگران را بنمایند - اما در انتفاخ ر پیش بیاید که در انصورت از دست روحانیت هم دیگر کاری ساخته نیست!

کفتمین بنا به تعریفی که مجاهدین برای فقیه در آورده اند آیت اله خمینی

مورد مسائل بسیار حیاتی روز را “اعتراض به خفقان تصور کنند! (مجاهد) در صورتیکه این، نه اعتراض به خفقان” بلکه تسلیم در برابر خفقان بوده است. مجاهدین نمیتوان یک سازمان انقلابی دموکرات هیچ بهانه ای برای چنین سکوتی در برابر مسائل حساس نظیر گزهستان (۱)، ولایت فقیه، و... نداشته اند.

بنظر ما عدم موضع گیری صریح و قاطع و عدم دفاع انقلابی از حق حاکمیت خلق حتی آنطور که از یک دموکرات انتظار میرود در برابر اصل ولایت فقیه که تمام دست آوردهای دموکراتیک انقلاب ما را زیر پا میگذارد، چیزی جز سرباز زدن از انجام وظایف دموکراتیک این سازمان نیست. این موضع منفعل در واقع کمکی است در جهت دامن زدن به توهمات توده ها، موضعی که نه استثنائی و منحصر بفرد، بلکه یکی از سلسله مواضعی است که این سازمان در دوره اخیر در رابطه با قدرت حاکم داشته است و ما به برخی از آنها (گردستان) قبلاً تا حدی اشاره کرده و به موارد دیگر نیز در جای خود برخورد خواهیم کرد. همین جا مناسب میدانیم به این نکته اشاره کنیم که مجاهدین در برابر حملات و خشیانه وردیلانه نیروهای دست راستی بجای تکیه اصولی بر مواضع انقلابی و دموکراتیک ریشه دار سازمان مجاهدین و گرایش های مشخصاً شرقی خواهان آن از مواضع خسود عقب نشینت کرده تمام گام و گوزه ها و ضعف های خود را بر سر “انحراف اپورتو - نیستی چپ” خرد میکنند. جریان کسبه شدیداً و عمیقاً از سوی مبارزینی که بر علیه این انحرافات مبارزه کرده اند همراه ما علیت - ایدئولوژیک و طبقه ای آن مورد بررسی و انتقاد قرار گرفته و طرد شده است. ما همدین

بقیه از صفحه ۱۱

شیوه برخورد پرولتری
یا خرده بورژواشی...؟

و تاکتیک مراجعه کرده و ببینیم رفیق احمد - زاده درجه رابطه‌های این عبارات را بیکار گرفته. همانطور که کمیسر تحت تاثیر بسک رشته پیشداوریا (بخوان مارکسیسم-لنینیسم) ما از درک عمیق مفاهیم اساسی که دبره در "انقلاب در انقلاب" ... عرضه کرده بود، غافل ماندم. ... رده‌های سنتی سربک رشته ملاحظاتی عینی خاص بلکه با تکیه بر اصول کلی - با رگسیسم-لنینیسم صورت می‌گرفت. (تا کنیند ارماست.) رفیق احمد زاده کمی پایینتر از قول دبره نقل می‌کند: "صحیح نوع معادله - متافیزیکی که در آن حزب مارکسیست - لنینیست = پیچیده است وجود ندارد. احزاب در اینجا در روی زمین وجود ندارد و تابع سخت گرسبهای زمینی اند."

س.ج.ف.خ. بجای نفی کامل نظرات رفیق احمد زاده از این دیدگاه که این نظرات غیر پرولتری و خرده بورژواشی است، با وانمود کردن آن بعنوان یک مرحله، "تجربه در جنبش کمونیستی، جبهه شمولی اصولی عام مارکسیسم - لنینیسم و تجربه جنبش بین المللی کمونیستی را تفسیر کرده و مارکسیسم-لنینیسم را تا حد آبریسم تنزل می‌دهد، نقل قول زیر بخوبی این امر را نشان می‌دهد: "در شرایطی که هیچ ارگانی و تکیه‌گاهی هیچ توده و تحریرهای ارگانشته برجای نمانده بود، تلاش نویسی برای پاسخگویی به معضلات جنبش بنحو حدی آغاز می‌شود و رفیق احمد زاده در این تلاش‌های ویژه‌ای را بخود اختصاص داده است. او یکی از قلائقترین، سخت‌گوشترین و موثرترین رفقای آن دوره بوده است."

همه اینها نشان می‌دهد که س.ج.ف.خ. هسته اصلی اپورتونیستی نظریات رفیق احمد زاده را که تبعیت از "سختگیرهای دیالکتیکی زمینی" (نه آسمانی!) است حفظ کرده است. پیچیده نیست که این "تبعیت" دبره را بسبب پای نویسی اپورتونیستیهای فرا بنوی می‌کشد و بخش منشی س.ج.ف.خ. را به آغوش دارو - دستد کمیته مرکزی می‌انگند. نمونه، کامیل این بی پرستی و دید غیر پرولتری را در بیانیه س.ج.ف.خ. در مورد گردستان بیرونی میتوان مشاهده کرد.

ادامه دارد

را هم نمی‌شود مشمول کلمه فقیه دانست پس این چه گوش بی‌حسی است که آیه در جیب - ندن خود به رهبری و دامن زدن به توهمات توده های نا آگاه از خود نشان میدهند؟ در ادامه مقاله مجاهد شماره ۷ آمده است: "فقیه واقعی کسی است که با اشراف به جهان بینی توحید و مکتب اسلام (کدام جهان بینی توحیدی و کدام مکتب اسلام؟) آثای علی غوری فقط در مجلس خبرگان از ۲۰ جور اسلام سراغ میدهند! لا اقل در اصول و کلیات، اسلام را در زمان خود پیاده کنند" کلیه فقه، مستند بر تفسیر قرآن و احادیث، اسلام را در کلیه شئون ریسز و درین زندگی موثر و دخیل می‌دانند و اصول ولایت فقیه که حاکمیت فقیه بعنوان نایب امام و بیفیمبر را در کلیه امور زندگی مطرح میکند چیزی جز این نیست، شما از کجا فضاوت رایبه "اصول و کلیات (۴)" خلاصه میکنید؟! این با صلاح حقوقی "اجتهاد" است در محال نم که نادرست است. (سید و همانجا میخوانیم "و اینهمه مسئله - م بر خورداری از دیدگاههای واقع بینانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانشناسی... است که بسیاری از مدعیان امروزی آن از جمله سیخیرا بند نمونه با خبری سراغ دارید؟) وانگهی از این مطلب صرف نظر میکنیم (چرا؟) که آیا بکفرت تشبیه میتوانند جامع بنام شرایط مذکور که علوم اینهمه گسترش پیدا کرده اند باشند؟ (جواب شما به سئوال خودتان در واقع منفی است اما کتمان میکنید.) مجاهدین در ادامه مقاله رابطه ولایت فقیه با حکومت رایبه رابطه حزب و دولت تشبیه می‌کنند! آیا اینرا جز رنگ زدن و جز جو را کندم و انمود کردن چیز دیگری میتوان نامید؟

مجاهدین بدستی درین برده ولایت فقیه حاکمیت (قشر ممتاز) روحانیت را می بینند و از نمونه شاه طهماسب طغوی که اختیار ولایت را از مجتهد جامع الشرایط زمان خود گرفته نیز نگرانند. اما بسبب "روحانیت مبارز" متوسل شده به آنها هتداز میدهند و می پرسند: "شما چگونه می‌توانید تضمین کنید که از استگونه (۴) ولایت فقیه، استبداد و انحصار طلبی بیسرون نیاید؟" آیا مجاهدین نوعی "ولایت فقیه" را که استبداد و انحصار طلبی از آن بیرون نیاید سراغ دارند؟! آیت اله طالقانی هم که اینقدر مورد استناد مجاهدین هست ولایت فقیه را بهمین معنی قبول داشت (شماره های قبلی پیکار - همین بحث)

یکبار دیگر ما این حقیقت را تکرار میکنیم که تمام این پیچ و تابها و منبهم گوئی ها و تناقضها که در برخورد مجاهدین با اصل ولایت فقیه بروز میکند جزئی از مواضع عام آنها در مقابل قدرت حاکم است. آنها نمی‌خواهند وبه "مملحت خود" نمیدانند، حقیقت را حد اقل همانطور که خود می‌فهمند برای توده های که گوش به

چاپ دوم کارگروه پیش!
شماره ۷ منتشر شد

چاپ دوم "کارگروه پیش!" شماره ۷ نشریه کارگری سازمان منتشر شد. این شماره نشریه اوایل مرداد ۵۸ آماده چاپ گردید ولی بدلیل تهاجم ارتجاعی هیئت حاکمه به مطبوعات مترقی و انقلابی و چاپخانه های این نوع مطبوعات و مجلات، چاپ آن به مشورتنق افتاد. سپس زمانی که در تاریخ ۱۵ مهرماه این نشریه در یکی از چاپخانه های تهران به چاپ می‌رسید، افراد مسلح کمیته، او را یکی کونسه به چاپخانه مربوطه حمله کرده و تمامی نسخ نشریه را به غارت بردند. و این در حالی بود که کارگروه پیش شماره ۷ حتی رسماً در لیست نشریات توقیفی نبود! اما از آنجا که ارتجاع از آگاهیه توده ها و بخصوص زحمتکشان می‌ترسد، مجبور است حتی "قانون" های مورد قبول خود را زیر پا گذارد.

- ما اینک چاپ دوم این نشریه را به اتمام رسانده و آنرا منتشر ساخته ایم.
- مطالب کارگروه پیش شماره ۷ به شرح زیر است:
- کارگران پیکار چگونه باید مشکل شوند؟
- کمیته مرکزی حزب توده ایران برای رسیدن به قدرت، چه ها که نمیکنند.
- حداقل دستمزد تعیین شده چه دردی از کارگران دوا می‌کند؟
- تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران
- علت اینهمه ظلم و ستمی که به زنان وارد می - آید چیست؟
- و.....

تحصن نظامیان در شیراز

روز ۵۸/۷/۲۳ پس از اجرای مراسم صبحگاه کلیه پرسنل مرکز زرهی (افسران، درجه داران، سربازان، کارمندان) بطقت اعتراض بسبب وضعیت موجود دست به تحصن زدند که تا ساعت ۱۴ همان روز تحصن ادامه داشت. در این مدت تعدادی از پرسنل مرکز زرهی سخنرانی هائی ایراد کردند که شامل موضوعاتی از قبیل تشکیل شوراها، جلوگیری از دیکتا توری در ارتش، عدم شرکت ارتش در سرکوبی خلقهای ایران، مردمی کردن ارتش و جلوگیری از تخصیص موجود در ارتش بود. ضمناً پرسنل پایگاه هواشی شیراز و مرکز پیاده به پشتیبانی از همقطاران خسود در پایگاههای مربوطه دست به تحصن زدند.

ارتجاعی راست و قدرت رهبری به سمت دور شدن از دموکراسیم سوق میدهند و با هرگز فراموش نخواهیم کرد که این امر فرموده نیروهای بینابینی در غیاب قدرت پرولساریا و حزب انقلابی رهبری کنندگان آن بسیار طبیعی است. در جزو تیکه، همین نیروها در مرحله انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی تحت رهبری پرولتاریا همبیمان طبقه کارگر می‌باشند. ادامه دارد

سخنانشان دارند باز گویند، آری در یک کلمه، نقطه ملاحظتان نیست. جنبش موضعی را هیچوجه نمیتوان منطق بسر دموکراسیم رایبه دار سازمان مجاهدین که نموده با آن آشنایی دارد دانست. همچنین این موضع در قالب تاکتیکی که در خدمت استراتژی یک سازمان انقلابی و دموکرات باشد نیز نمی‌گنجد. جنبش موضعی مجاهدین را تحت تاثیر فتنه رها ی

بقیه از صفحه ۲۲ جنبش کارگری
کند. وقتی ماده ۹ اس لایحه را می شکافی
می گوید:
هیچکس حق اعتصاب ندارد، طبق این
ماده مسواک کارگری که برای گرفتن گوشه ای
رحمتش دست به اعتصاب زده، مسواک کسی که
رسولید اخلال کرده ۲ تا ۱۰ سال زندان
محکوم کرد. آسوقت این دولت میتواند
لرمدار کارگر رومدا میربالیست باشد ؟

کارگران :

ما اردواریا لا رفتیم و در حالیکه پاسدارها
می گفتند اگر بیا نیدبالا شلیک می کنیم ،
توجهی نکردیم و رفتیم بالا ! " ضیا " بحالت
قهر از پشت تریبون کنارت رفت که مثلا می -
خواهد سرود. در این موقع یکی از نمایندگان
کارگران پشت میکروفون رفت و گفت : " تا
سرمه تمام نشده ، هیچکس حق ندارد اینجا را
ترک کند. " معاون وزیر کار با زبرکشت و در
حالیکه مرتب به سگارش یک میز دادا مه داد که :

● دوستان! بورژوازی برای خود قانونی دارد و آن اینکه هر کارگری که
اعتراض کند، باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه
تا زمانی که سرمایه داری و استثمار وجود دارد، مبارزه خواهیم کرد!
● آقای بهشتی نمی تواند برای ما قانون تصویب کند، کسانی می توانند
برای ما قانون بنویسند که از خود ما باشند، از جنوب شهر، از
کوره پزخانه ها، از...

ما می گوئیم اگر شما واقعا ضد امپریا -
لیست هستید، کلیه قراردادهای ایران و آمریکا
را لغو کنید، سرمایه های آمریکایی را بنفع
کارگران و زحمتکشان مصادره کنید. زدن
ناحیه های امپریالیسم بدرستی خورد، آنرا
ارزیده در آورید. " این کارگر آگاه ، در ادامه
سخنانش به قانون اساسی اشاره کرد و گفت :
" آقای دکتر بهشتی نمیتواند برای ما قانون
تصویب کند، کسانی میتوانند برای ما قانون
بنویسند که از خود ما باشند، از جنوب شهر
باشند، او کوره پزخانه ها آمده باشند و با دست -
های پیچیده ! " نه آقای بهشتی که معلوم
نیست زمانیکه خون گرم جوانان ما سنگسار
خیابانها را گلگون میکرد در آلمان به چه کاری
مشتول بود، و اگر با اودست بدهی فکر میکنی
که دستپایت را در پنبه فرو کرده ای. آقای
دکتر بهشتی که خانه اش در شمال تهران قرار
دارد (خیابان ظفر) چه می فهمد که فقر آدم
در یک اطاق ۲×۳ چگونه زندگی میکنند. آسوقت
اینان یکی از نمایندگان مجلس خبرگانند و
به اصطلاح قانون تصویب میکنند ! (قسمت
خارج از گویوما از خود گزارش نویسنده است) .

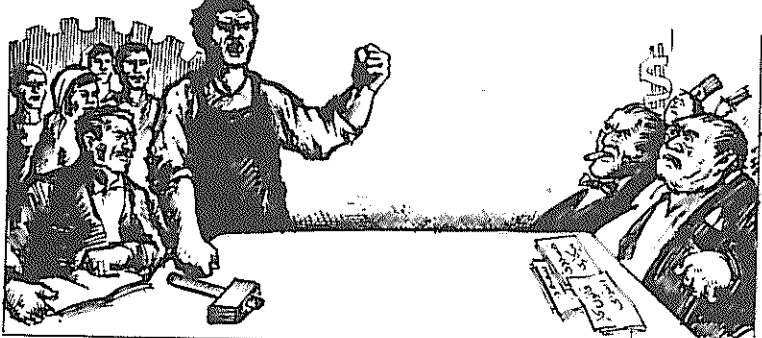
کارگران با دانی در دنیایه، سخنانش گفت:
" دوستان ! سوز و آری برای خود قانونی
دارد و آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند ،
باید سرکوب شود ! ما کارگران هم قانونی
داریم و آن اینکه تا زمانی که سرمایه داری و
استثمار وجود دارد ، مبارزه خواهیم کرد. ما با بقدرت
رسیدن کارگران مبارزه را ادامه خواهیم داد. "

کارگر دیگری پشت میکروفون رفت و از
معاون وزارت کار خواست که پشت تریبون
بیاید و در مورد حق بیمه بیکاری (و نه وام بی -
کاری) و دفترچه بیمه بیکاری با صراحت جواب
دهد. " ضیا " پشت میکروفون رفت و پس از مقداری
ظفر ه رفتن، گفت : " ما هر کاری میتوانیم
برای شما انجام میدهیم ، مثلا خانه کارگر را
جوایبید ، در اختیار شما گذاشتیم ! " با این
حرف کارگران همگی برآشفتند و یکی از آنها
که داشت بصحبت آب میداد تقریبا دزد که : " نه ،
اس دروغ است ، دوستان کارگرنا همدید که

بدهند ! پس از آن کارگروژن جوانی پشت
تریبون آمد و گفت : " ۹ ساله بودم که به علت
فقر در خانه آمریکایی ها شروع به کلفتی کردم ،
بعد از چند سال کلفتی رفتم کارخانه ، در این
کارخانه چون حاضر نشدم با یکی از مدیران بی -
شرف ارتباط داشته باشم ، اخراج شدم ، وقتی
اعتراض کردم گفت ، از قبایع ات خوشم نمی -
آید. حالا ما هاست که سگارم ، پدرم برادر
کوچکم را بگذاشت درس بخواند ، تا شاید خرجی
سازد. ما گفیم اگر شاه برود و خمینی بیاید ،
بد ، خوب می شود ، اما وضع ما بدتر هم شد ! " در
این موقع جمعیت شعار داد : " سرمایه دار مزدور
عامل مرگ ما است. " کارگر جوان ، در پشت
میکروفون، دستپايش را بالای سرش در هم قفل
کرده و به ابراز احساسات رفاقیش پاسخ گفت ،
بعد از صحبت چند نفر ، کارگر دیگری آمد و گفت :
" پدرم در بیمارستان بستری بود ، وقتی می -
خواستیم بیارمش بیرون ، گفتند ۱۲۰۰ تومان
خرجش شده است. گفتم ندارم. گفتند درازای
۱۲۰۰ تومان خون بده ، و من که چاره ای نداشتم
خون دادم. " وی سپس در حالت اشاره به ضیا ،
افزافه کرد : " اگر کسی یک کمی غیرت داشته باشد
و حرفهای ما را بشنود ، آب بشنود ، اما این
اسپیدی ، وزیر کار بیشتر جاق مشود. " در
این موقع قطعا همه کارگران سگار در حضور
ضیا خوانده شد. در این قطعا مه آمده بود که
تا روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ جواب خواستهای ما که
شامل : ۱ - کار (و در صورت نبودن ، حق بیمه
بیکاری) ، ۲ - دفترچه بیمه درمانی ، است داده
نشود ، ما راه پیمایشی خواهیم کرد و مسئولیت
هرگونه اتفاق احتمالی با دولت است .

- ۱ - پیام همبستگی کارگران ناغل اکباتان.
- ۲ - پیام همبستگی کارگران استارلایت .
- ۳ - پیامی همبستگی دانش آموزان دبیر -
ستان آزادگان شماره ۳ و دانش آموزان
دبیرستان ابودر
- ۴ - پیام همبستگی کارگران بیکار و قرویبین
(که در این روز خودشان در فرمانداری
قزوین اجتماع کرده بودند) ...
بعضی از شعارهایی که داده شد بقرار
زیر است :

" کار حق هر انسان است ، نه فقط حق کارگران ،
حواسته های شما برحق است. کارگرانی که
ساخته ای همدستان را با ما همدید تا
سراپان کار پیدا کنیم. " کارگران بساز
اعتراض کردند که : " ما همه سگاریم ، نه فقط
کارگران ساختمانی. " ضیا ادا مه داد : " در
مورد بیمه درمانی شما مربوط نیست ، به وزارت
بیکاری مربوط است. " باز همه اعتراض کردند
و جلسه متشنج شد. آقای ضیا ، باز زهر کرد و این
بار کارگران متلک بارانش کردند ، تا اینکه
برگشت و دنباله حرفش گفت : " در مورد حسن
بیمه بیکاری ما در حال تصویب آن هستیم و ...
در این هنگام یکی از نمایندگان کارگران
پشت میکروفون رفت و گفت : " آقایان ! جواب
نماید ، دولت را شنیدید ، ما تا یک هفته دیگر
ببشتر ملت می دهیم ، این تصمیمی است که
نورای نمایندگان گرفته است. " همه تا شید
کردند. پس از آن صحبت های کارگران ادا مه
پیدا کرد ، تا اینکه کارگری پشت تریبون آمد
و پس از مقداری صحبت از وضع زندگیش ، آستین
ضیا را گرفت و بطرف میکروفون کشید و گفت :
" آقایان ! سروع مریبید ، رویم ۱۰۰
تومان می ارزد ، " آنگاه کراوات معاون وزیر
را گرفت و رو به جمعیت گفت : " کراواتش اینتا -
لیا شیه ، از لباسهای من بیشتر می ارزد. "
آنگاه نگاه تحقیر آمیزی به سراپای ضیا اندا -
خت و گفت : " اسبای خواهد برای ما کار انجام



"حق کار" ، "حق بیمه بیکاری" از حقوق مسلم کارگران است

اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار
مرکز وزارت سرمایه (وزارت کار)

اتحاد، تشکیلات، تشیلا سلاست
قدرت زحمتکشان تشیلا سلاست
این برنامه تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان

افراد کمیته، جها دسا زندگی، توده ای و ملاهای مرتجع بر علیه کارگران

نقل از ضمیمه ۴ محلی پیکار
کمیته ۴ آذربایجان شماره ۳

به این افراد پیشرو با یافته بودند. آنها به فریب عوامل دولتی و کمیته چپا بی برده بودند. تجمع کارگران مصادف بود با تحمسن دیبله های بیگاروبستی "مخابرات" و ورود استانداری آذربایجان شرقی به منطقه. البته آقای استانداری امری منحل کردن کشت و صنعت شریف آورده بودند!

کارگران و کارمندان با بسیج به شهرک کشت و صنعت که آقای استانداری در آنجا - در یک اتاق دربسته - می خواست دربار ۷ هزاران نفر تصمیم بگیرد، خبر دادند که "ما ۴۰۰۰ نفر از کارکنان میخوایم به اینجا بیاید تا مسئله را در اینجا حل کنیم". استانداری جواب داد که "نماینده بفرستید". کارگران قبول نکردند و جواب فرستادند که "به نماینده های اصیل ما برچسب می زنی". استانداری تهدید کرد که "اگر تظلمات کنید، نمی آیم" کارگران جواب دادند "تظلمات میکنیم که هیچ، اگر شما نیا بیده مکی میرویم تهران و جلوی وزارت کثا و وزی با هم ملاقات میکنیم". سپس کارگران همگی راه افتادند در صفوف منظم - دستها یشان را بهم حلقه زده - از کمپ قدیم که کارگاهها در آنجاست به طرف پارس آباد حرکت کردند. آنها در ضمن با دیبله های نیکیا را علامت همبستگی کردند. دانش آموزان نیز با بیگاران و کارگران کشت و صنعت اعلام همبستگی کردند. کارگران و کارکنان - متحداً - با زوبه بازی هم داده و با مشت های گره کرده - شروع به دادن شعار نمودند. "کشت و صنعت منحل الیاسون" (کشت و صنعت نیا پد منحل شود) "بسا زار لاری با غیلون - اگر کشت و صنعت منحل اولاد - باشوزا و ورون اغیلون" (با زار را ببندید - اگر کشت و صنعت منحل شود - به سر تان بزنید و گریه کنید) - چون وجود با زاریهای "پارس آباد" اکثر آواسته به بقای کشت و صنعت است بدین جهت تمام دکاندارها مغازه های خود را بستند و با کارکنان این مجتمع ایوا همبستگی کردند. "شا هلازی تختن سالان - مالکلاری باندوران دیکتا شورا رقا جردان - کارگردی کارگردی کارگردی کارگردی" (سرتگون کنندگان - سوزاننده ریشه مالکین - فراری دهند دیکتا توره ها کارگزاران کارگزاران کارگردی) (۰)

حدود ۱۵ روز قبل از اعتصاب، بعضی از کارمندان و کارکنان اداره آگاه شده بودند که میخواهند کشت و صنعت را منحل اعلام نمایند. بخشنا میخواستند که از ظرف وزیر کثا و وزی و مدیر عامل کشت و صنعت، "آقای آثورپور" (اوبکی از افراد ادا روسته "حزب توده میباشند و در همکاری با کمیته چپا بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی مضایقه نکرده است) ما در شده بود، این امر را تا پید میگرد.

افراد پیشرو کشت و صنعت میدانستند که دولت ضد انقلابی در مداخلت تا شکل کارگردی این منطقه را بر هم بزنند چون از حدود ۴۰۰۰ کارگر در این منطقه و کشت دارد. دولت با منحل کردن کشت و صنعت میخواهد مشکل کارگردی این منطقه را به خرده مالکی تبدیل کند. ولی با وجود این، برای ترس میا شیبایی که از ظرف عوامل دولت (کمیته چپا - جها دسا زندگیها - آثورپور توده ای و ملاهای مرتجع و...) بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت شده بود و آنها را ضد انقلابی و کار شکن جلوه داده بودند، این افراد پیشرو نمی توانستند خیرا نخل کشت و صنعت را بطور وسیع در اختیار کارگران و کارمندان بگذارند، تا اینکه یک روز قبل از اعتصاب جلسه ای از کارگران و کارمندان کشت و صنعت در مهما نسرا با حضور یکی از اعضای هیئت مدیره برگزار گردید (البته گفتنی است که به خواست کارکنان، این مهما نسرا با دست یکی از کارگران افتتاح شد). بیخشنا میخواستند که هیئت مدیره را منحل خوانند و نیز جزوایی را که هیئت مدیره و بعضی از مسئولان شرکت به مرکز نوشته بودند - که از عوامل کار می ترسیدند - نیز خوانده شد. در بخشنا میخواستند که وزیر کثا و وزی و مدیر عامل قید شده بود که کشت و صنعت منحل اعلام شده و زمینها به تشریب زیر تقسیم خواهد شد:

برای هر کارگر، ۶ هکتار / برای هر کارمند، ۱۵ هکتار / برای هر مهندس ۳۵ هکتار. کارگران سخت عصبانی بودند. کارمندان نیز ناراحت بودند.

کارگران می گفتند "ما در این زمینها شرخوا می کاشت" و کارمندی می گفت من هم "ماده وفاتون دولت را خوا هم کاشت".

فرزاد آثورپور افراد پیشرو کشت و صنعت به کارگران خبر دادند که "در جلوی کارگاه جمع شوید، کار کشت و صنعت را در شام میشود". کارگران بلافاصله در جلوی کارگاه کشت و صنعت جمع شدند. آنها دوباره اعتماد خود را

حق بیلس - کارگردی کارگردی کارگردی (کشنده مرتجعین، سازنده هر چیز، اما محروم از حق خود، کارگزاران کارگزاران کارگردی).

جمعیت که از ساعت ۹ صبح حرکت کرده بود تا ساعت ۴ بعد از ظهر بدون خوردن نهسار منتظر استانداری در وسط خیابان نشستند. عده ای بطور خود بخودی طوالت می فرستادند که با اعتراض سا برین مواجه شد. معترضین می گفتند "برادر طوالت با ما سازگار نیست، جریه ها شرا کشیده ایم" (اشاره به تحریکات کمیته چپا).

یکی از کارگران می گفت "قبلا اگر چیزی می خواستیم با بدروی تراکتورها می نشستیم و آنقدر جابجا می زدیم تا باند نافعمان پاره شود. حالا هم با بدی طوالت نفرستم و با بدروی بخوبی بگوئیم تا کسی لطف کند و به حرفهای ما نفاقا بلها گوش دهد". مامورین زاندا رمی موضع بیطرفی داشتند و میگفتند "همینهای که امروز بیجان خرابکار و کمو نیست می گویند، همان گمانی بودند که مردم را به کوچ و با زار کشتا نند و شاه راسرنگون کردند. از این به بعد هم حرف اینها خوا هد بود. دیگر خودمان را توهمل نمی اندازیم کارگران عده ای را ما مور کردند تا پیش استانداری بروند و اطلاع دهند که "سرت سلامت، ما تظلمات کرده ایم ولی خرابکار و جانی نیستیم و به کسی آسیبی هم نرسانده ایم و در جلوی زاندا رمی آرام، مثل یک کارگردی نسته ایم".

خلاصه ساعت ۲/۵ استانداری به مسجد پارس - آیداد چون روز تحلیل از با ساداران کشتی شده در سر داشت بود، استانداری با ساداران را چندین بار فرستاد تا کارگران را قانع کنند به مسجد بروند و در تحلیل با ساداران شرکت کنند کارگران قبول نکردند و بالاخره بجان آمدند و گفتند "خرا قایان با سادار، شما که مرکز پیام نیستید که می روید، می آید". یکی از با ساداران بقول یکی از کارگران شروع به "رستمنا میخوانند" کرد که کارگران حمله ور شدند تا خلق سلاح کشند ولی زاندا رمها میان - جگیری کرده و با ساداران را متفرق کردند. بعد از مدتی معاون استانداری آمد و بعد از سخنرانی که دم از انقلاب و ضد انقلاب میزد، گفت "اینجا بلندگو نیست که جناب استانداری بخواهند سخن - با ساداران است و هم بلندگو، بهتر است به آنجا بیایید". یکی از کارگران در جواب گفت "آقای یک مخروط پیدا میشود تا دست آقای استانداری بدهیم که سخرانی بکنند. از آن گذشته چطور است که حرفهای شما را بدون بلندگو می شنویم ولی حرف آقای استانداری را نمیتوانیم بشنویم؟ اصلا میدانید از نظر شرع درست

نان، مسکن، آزادی

نیست که ما به مسجدیایم چون اکثر ما با کیزه نیستیم" و ما و بدون نتیجه برگشت. کارگران شروع به صحبت با هم دیگر کردند که مگر با سدا را می که مرده اند چطور کسی بی بوده اند؟ مثل همین با سدا را می بودند که الان با هانا ن دعوات کنیم اگر فرصت دستمان بیفتد همه ما را با خط طبر آرضیت با زیبا بیانا به گلوله می بندند تا به اصطلاح "ایمان" خود را ثابت کنند. یکی از کارمندان میگفت "آخر این "غازخواران" را چه به شدت" (چند نفر از سدا را در پیارس - آیداغای زدیده بودند و در کنار رود ارس نوش جان میکردند که مردم فهمیده بودند و اسمان را گذاشته اند "غازخواران" بسر وزن "با سدا را") بعد از رفتن معاون آقاسای پیشتر از آمدن سدا را به سدا را کارگران "رجزخانی" از کارگران خواست تا به مسجدیای سدا را کارگران در جواب گفتند "یک کلام باید اسنادا ریاید که سیاید" بعد از رفتن پیشتر از آقاسای استان - دارنا عده ای با سدا رفتند که دست به جمع کارکنان اعتصابی کشت و صنعت آمد. یکی از نمایندگان کارگران بلند شد و شعار داد "دردیبرگا کارگران کشت و صنعت نیاید منحل شود" و اعتصابیون آنرا چندین بار تکرار کردند. اسنادا شروع به سخنرانی کرد که "دولت از شماست و منحل شدن کشت و صنعت یک ثایه است که اخلالگران و ضد انقلابیون ساخته اند". کارگران بلافاصله بخشنا مدویرکشا ورزی ومدیر عامل را نشان داده و فریاد کشیدند "پس اگر اینطور است وزیرکشا ورزی ومدیرعامل ضد انقلابی هستند". اسنادا روامانند و گفت "من با وزیرکاری ندارم من و کسانی که با من آمده اند همه زندانی سیاسی کشیده ایم) خنده شدید اعتصابیون "مگر ملای گو سفند دزدان آقاسای ناطق که با شما آمده است زندانی سیاسی کشیده است؟".

خلاصه آقاسای اسنادا رفت "من از شما هستم و اینجا به شما منحل نمی شود بلکه رسیدگی بیشتری هم به اینجا خواهد شد". در همین حین چشم کارگران به "عمیسی قربانسی" یکی از زمین داران و سرما به داران مبنان افتاد که درخواست کرده بود کشت و صنعت را منحل کنند و چند هکتار زمین او بدهند. کارگران بقیه اش را گرفتند و گفتند "زمین کشت و صنعت را برای شما سرما به داران گورستان میکنیم". افراد دیگری که طی نامه خواستار انحلال کشت و صنعت و زمین شده اند، عبارتند از: درختان، حاجی عمیرقیمی، احدکیانی و عده ای دیگر. تمام کارگران و کارمندان با شعار "دردیبر کارگرومیرگ بر سرما به دار" پراکنده شدند.

★ ★ ★

چنانکه از حرفهای اسنادا برمی آید، بزرگترین گزارش از به اصطلاح ضد انقلابیون از چهار دما زندگی (یا بقول افراد پیشرو کشت و صنعت، ساواکیهای ریشو) بوده است.

مثلا آنها گزارش داده بودند که ضد انقلابیون به درختهای گلای عمداً آب ندادند و آنها را خشک کردند. در صورتیکه در منطقه درختهای گلایی، کانال ترک برداشته و آب زیر درختهای

گلایی به با طلاق تبدیل شده است. یا مثلاً گزارش داده بودند که ضد انقلابیون درختهای سدا را شکستند. در صورتیکه در کشت و صنعت اصلاً درخت با دام وجود ندارد و ضد انقلابیون هم آنرا بشکستند.

مبارزات کارگران توکلی ادامه دارد

(نقل از ضمیمه محلی کمیته آذربایجان)
کارگران توکلی موفق شدند، مدیر دولتی را وادار به دادن درخواست آنها بکنند، ۴۰ ریال حق مسکن و ۳۰ ریال به دستمزدها در روزانه اضافه گردید. کارگران شهید کرده بودند که در صورت عدم موفقیت شورا در گرفتن خواستهای روزانه ۵۸/۸/۵ دست به اعتصاب خواهند زد. مبارزه کارگران برای احقاق خواستهای دیگری شان ادامه دارد.

مبارزه پیروزمند کارگران پیکار قزوین

پس از اینکه کارگران پیکار قزوین محل فرمانداری را بستن خانه موقت کارگران تصرف کردند، درخواستهایشان را مبنی بر استخدام کارگران پیکار به اطلاع عابدی مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی رسانند، که وی در جواب میگوید در جلسه ای که روز شنبه به اتفاق فرماندار روسا بر اولیای شهر خواهیم داشت، نمایندگان نشان میتوانند در آن شرکت کرده و جواب را به اطلاعشان برسانند.

روز شنبه حدود ۵۰۰ نفر پیکار در خانه کارگر اجتماع میکنند که ابتدا شروع به افشاکاری در باره سیاستهای سرمایه داران و بعد به دادن شعار میپردازند پس از مدتی که از شروع جلسه مسئولین امور با نمایندگان کارگران میگذرد، نمایندگان به میان کارگران آمده میگویند: "مسئولین میگویند ما فعلاً کارگر احتیاج نداریم و طرحیایی در دست است که ممکن است ۶ ماه دیگر عده ای کارگر بخواهیم!!". کارگران دو باره شروع به دادن شعار "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" میکنند تا جلسه به پایان میرسد.

روز بعد (یکشنبه ۱۳ آبان) کارگران دو باره در خانه کارگر اجتماع میکنند و نمایندگان خود را برای مذاکره میفرستند در جریان مذاکره سرمایه داران و حامیان - نشان با طرح استدلهای سخنده ای از قبیل اینکه دولت سربازها را معاف کرده و در نتیجه ما با مشکل بیکاری مواجه هستیم! و ... سعی در فریب نمایندگان کارگران میکنند که با مقاومت آنها روبرو میشود. در تمام طول مذاکره، صدای پر طنین "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد"، "بیمه بیکاری، پرداخت تا باید گردد" و ... بگوش میرسید.

سرانجام کارگران پیکار با مبارزه یکپارچه خود به پیروزی رسیدند و قرار شد کارخانه ها (به نسبت ظرفیت خود) همه بیکاران را استخدام کنند.

در پایان یکی از نمایندگان کارگران میگفت: "وقتی آقایان صدای شعار شما را می شنیدند، پشتشان میلرزید، و آنچه که باعث شد اینها جلسه تشکیل بدهند و نمایند - گان کارگران را در آن شرکت دهند، فقط اتحاد ما بود" یکی دیگر از کارگران میگفت: "دوستان کارگر، اتحاد را فراموش نکنید، اگر آنها زیر قولشان بزنند ما باز هم با کمک یکدیگر آنها را مجبور می کنیم که ما را استخدام کنند".

مبارزات

کارگران پیمانی صنعت نفت

مسئله رسمی شدن کارگران پیمانی صنعت نفت همچنان لاینحل مانده است. مقامات مسئول و هیئت های گوناگونی که از تهران و دیگر نقاط خوزستان به آبادان آمده اند، جز اینکه کارگران را دعوت به "ضرب انقلابی" و کار بیشتر کنند هیچ گرمی از مشکل کارگران نگشودند. در طول ماههای گذشته کارگران ان پیمانی ضمن تحصن و راهیمایی و حتی اشغال دفتر مرکزی، خواستهای عادلانه خود را که عده ترین آن همانا رسمی شدن بود مطرح ساختند. لیکن هنوز که هنوز است جوابی دریافت نکرده اند.

در تاریخ ۵۸/۸/۸ گروهی از کارگران پیمانی ضمن صدور اعلامیه ای وضع اسفبار خود را شرح داده و اقداماتی را که از فردای قیام بعمل آورده اند، ذکر کرده اند. آنها در ابتدای اعلامیه خود خطاب به دیگر کارگران پیمانی پرسیده اند:

- ۱ - چرا مسئولان صنعت نفت موافقت - نامه ای را که با کارگران پیمانی بسته اند، اجرا نکرده اند؟
- ۲ - چرا حقوق روزهای پنجشنبه را به کارگران پیمانی (اداره ساختمان) پرداخت نمی کنند؟
- ۳ - پول بیمه که در مدت هفت ماه از کارگران پیمانی (اداره ساختمان) کسر شده، چرا شرکت بیمه پرداخت نشده؟

کارگران پیمانی در اعلامیه خود ماهیست ضد کارگری رژیم را افشا کرده و در پایان بر لزوم اتحاد و یکپارچگی کارگران در مبارزات خود، تاکید کرده است.

آبادان،

اعتصاب کارگران پیمانی

کارگران پیمانی سخن ساختن صنعت نفت در آبادان از روز چهارشنبه ۸/۲ بعنوان اعتراض به قطع حقوق پنجشنبه ها و نیز عدم جرای موافقت نامه ای که در زمان "نزبه" در پی یک اعتصاب چندین روزه، اکثر کارگران پیمانی آبادان بسته شد، دست به اعتصاب زده اند.

جالب اینجاست که "معین فر" وزیر نفت دولت ضد انقلابی در حالی موافقتنامه میا - لکی اش "نزبه" را با کارگران زحمتکش پیمانی بقیه در صفحه ۶

پیکار



اخباری از:

جنبش دانش آموزی

گشته بود با حمله فالانژها روبرو شد. در مقابله با این حمله مرتجعانه دانش-آموزان دختر مدرسه فردوسی آبادان نیز به دانش آموزان تظاهر کننده، ملحق شدند، و علیرغم فشار مرتجعین بر اهلبیای برداختند. آنان شعار میدادند:

شورای بی محتوا، حامی سرمایه دار مخمل پیروز است، ارتجاع نابود است، معلم، راه صد راه شو- مرگ بر ایس- سیستم آموزشی.....

خوشه شهر

« دانش آموزان دبیرستان دخترانه "آلادپوش" به تفتیش هرروزه دانش آموزان در دبیرستان اعتراض نموده و دست به تحمیل پیروز شدند. و تحمیل را خاصه دادند. « هنرجویان صنعتی خرمشهر با اعلام همبستگی با هنرجویان سراسر کشور در جهت خواسته های صنعتی و سیاسی خویش دست به تحمیل زدند. آنان از جمله خواستار آزادی بیان و عقیده در محیط هنرستان، ایجاد شورای واقعی و ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای هنرجویان شدند. تحمیل آنان سعادت پذیرفته شدن تمامی خواسته هایشان از جانب مسئولین، ادامه دارد.

شیراز

بزرگداشت ۱۳ آبان ۵۸/۸/۱۳ هنگام با دانش آموزان سراسر کشور شیراز نیز تظاهراتی از سوی دانش آموزان هلد دار سازمان پیکار ترتیب داده شد. در این تظاهرات گروه دانش آموزی راه صد سبز شرکت داشتند. دانش آموزان در ساعت ۹ صبح در فلکه شهدا (شهرداری سابق) اجتماع کردند و یکی از دانش آموزان مقاله ای خواند. در این مقاله اشاره ای کوتاه به جنبش و قیام، دولت و ما هیتش شده بود. راهبیمانی از میبندان شهدا شروع شد. درمیرا راهبیمانی شعارهای مانند: فعالیت سیاسی حق مسلم ما است، فرهنگ استعماری نابود باید کرد، سیستم آموزشی تمویض باید کرد، داده میشد. عده ای مرتجع با شعار مرگ بر کمونیست و حزب فقط حزب الله کوشیدند تظاهرات راه- بیمانی را بهم بزنند که با هشباری راهبیمانی خنثی گردید.

پس از یک ساعت راهبیمانی قطعاً مه ۹ ناد ای از طرف دانش آموزان خوانده شد. مواد قطعنامه از این قرار است:

- ۱- لغو شوری و وابگان و اجباری نبودن تحصیل در تمام مراحل برای دانش آموزان.
- ۲- برداخت کمک هزینه تحصیلی.
- ۳- ایجاد شوراهای واقعی از نمایندگان دانش آموزان با داشتن قدرت اجرایی و عملی کامل و کنترل کلیه امور مدرسه بدست خود دانش آموزان.

بقیه در صفحه ۱۹

- ۲- کانون مستقل معلمان
 - ۳- دانش آموزان پیشگام کردستان
 - ۴- دیپلمه های پیکار تهران و.....
- همچنین درحین برنامها رهائی توسط جمعیت داده میشد که عبارتند از:
- اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم
 - محصل می رزم، ارتجاع می لرزد
 - هزینه تحصیلی برای زحمتکشان برداخت باید کرد
 - درود بر کارگر
 - درود بر پیشمرگان
 - کاربرای کارگر زمین برای برزگر
 - مرگ برای فرهنگ استعماری
 - پیروز با علم ره رهاشی

تهران

روزیکنشبه ۱۳ آبان، بنا بدعوت "کانون دانش آموزان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر" مراسمی در زمین چمن دانشگاه پلی-تکنیک برگزار شد. در ابتدای برنامه پیام دانش آموزان مبارز تهران خوانده شد و پس از آن سرودی دسته جمعی توسط دانش آموزان اجرا گردید. سپس پیام "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بمناسبت این روز قرائت گردید و آنگاه منشی دربار، کردستان خوانده شد. در این روز بیمای زیادی واصل شد که بذکر نام برخی از آنها اکتفا می کنیم.

۱- پیام دانشجویان مبارز

کامیاران

روزشنبه ۵۸/۸/۱۳ تظاهراتی از طرف دانش آموزان مبارز کامیاران به پشتبانی از پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان و مبارزات خلق کرد و دیگر طبقه های ایران برپا شد که در آن مردم کامیاران و روستاهای اطراف شرکت داشتند (تعداد تظاهرکنندگان نزدیک به هزار نفر بود).

شعارهایی که در تظاهرات داده میشد

مبارزات دانش آموزان در خوزستان

امواج جنبش دانش آموزی روز بروز در حال حوش و گسترش است. دانش آموزان مبارز خوزستان نیز در روز دانش آموزی شعارهای خویش را در همبستگی با خلق قهرمان کرد و در حمایت از مبارزات زحمتکشان و در بیان خواسته های خویش بمناسبت بخشی از خلق فریاد زدند. در زیر، گوشه هایی از این امواج خروشان را منعکس میکنیم:

اهواز

« صبح ۱۳ آبان تظاهرات برشکوهی از جانب دانش آموزان دختر چند دبیرستان اهواز (هنر-ستان بازرگان، محبوبه متحدین، پروین-اعتمادی و...) به دعوت دانش آموزان دبیرستان محبوبه متحدین، برگزار شد. در این راهبیمانی دانش آموزان به دست گیری ۸ نفر از دانش آموزان محبوبه متحدین، اعتراض کردند. آنان همچنین خواستار آزادی فعالیت سیاسی در مدارس، تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان، اخراج مدیران انتصابی و جایگزین نمودن مدیران انتخابی گشتند.

بدین ترتیب بود:

- بژی هیزی کومله
- زحمت کچی له گله
- خلق کرد میرزم
- ارتجاع می لرزد
- سرما به دار خرمین مژه
- ظالمه فقیر گزه و...
- وسرودهای پیشکوهی رقب و ای رفیقان...

در تاریخ ۵۸/۸/۸ بدینال حکم تبعید چندتن از معلمین مبارز کامیاران تعداد ۶ نفر از محصلین دختر و پسر کامیاران دست به تحمیل زدند و خواستار لغو حکم صادره شدند که بعد از موفقیت در روز ۸/۱۱ به تحمیل خود پایان دادند.

« در روز ۵۸/۸/۵ در دبیرستان هدف دانش آموزان به علت اعتراض به عوض شدن مدیر دبیرستان و خواست فعالیت سیاسی آزادانه برای تمام دانش آموزان، به کلاس ترفند. آنان قطعنامه ای صادر کرده و خواسته های خود را اعلام نمودند.

آبادان

« در روز ۱۳ آبان، تظاهرات چندین هزار نفره ای با شرکت دانش آموزان مبارز دبیرستانهای مختلف آبادان برگزار شد. این تظاهرات با شکوه با حمله فالانژها روبرو شد که سعی در پراکنده نمودن آن داشتند. اما دانش آموزان قهرمانانه به مقاومت پرداختند که عده زیادی از آنان نیز زخمی شدند.

دانش آموزان شعار میدادند:

- فعالیت سیاسی آزاد باید کرد.
- حمله به دانش آموز توطئه ارتجاع.
- کردستان سنگر زحمتکشان.
- مرگ بر این سیستم آموزشی.

« در روز ۱۲ آبان تظاهراتی با شرکت بیش از هزار نفر از دانش آموزان آبادانی برپا شد. تظاهرات که از دبیرستان سپهر آغاز

اخباری از: کردستان قهرمان

۶ روز در مهاباد قهرمان

آنچه که در زیر میخوانید قسمتی است از اعلامیه بلندی که با عنوان " درود بر خلق دلاور کرد" که حوزه سندج سا زمان مابتر ریخ ۵۸/۸/۴ در سطح کردستان منتشر نموده است :

چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵: یک گردان از نیروهای کلاه سبز سوار بر مینی بوس و اتوبوس در حالیکه بتوسط تانکها اسکورت میشدند بعد از ظهر از ارومیه وارد مهاباد شده و بسرعت روانه بادگان گشتند .

پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶: از صبح زود معلوم شده است که ارتش و پاسداران نظامی راههای اصلی و فرعی را بسته و مانع از ورود و خروج میشوند و با اینکار خود تصمیم دارند برنامه خانهگردی وسیعی را براه انداخته و بسا دستگیری وسیع جوانان مبارز و انقلابی مهاباد را از وجود عناصر باصلاح ضد انقلاب پاک نمایند . حدود ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه پاکسازی شروع شده و نیروهای کلاه سبز و ارتش و پاسداران اشغال حیایانها و کوچه های اطراف بادگان را آغاز می کنند ، جوانان مبارز و انقلابی شهر با سلاحهایش که در دسترس داشتند (نارنجک و سلاحهای سبک) بمقابله شتافته و درگیریهایی سختی درمیگیرند که تا نزدیک نیمه شب ادامه داشته و سرانجام نیروهای مهاجم با دادن تلفاتی به بادگان عقب نشینی میکنند ، تعدادی سلاح و مقداری مهمات بدست انقلابیون می افتد .

جمعه ۵۸/۷/۲۷: شهر از آرامش نسبی برخوردار است . شب هنگام پیشمرگه های قهرمان دشمن را غافلگیر نموده و ضرباتی وارد ساخته و یک جیب زاندارم را با تاش میکشند . شنبه ۵۸/۷/۲۸: از ساعت ۲ بعد از ظهر ، دشمن با تانک و زره پوش در صدد اشغال مجدد شهر برمی آید . در همان لحظاتی اولیه پیشمرگه های قهرمان با سلاح (آر. پی. جی) پنج تانک را منفجر نموده و نبرد های کوچک به کوچکی را آغاز می کنند . مردم شهر در این روز با کنکهای بیدریغ خود همبستگی و بیوند عمیق خویش را با مبارزین انقلابی به اسکاگ گوناگون بنمایش می گذارند . با پشتیبانی وسیع توده های مردم ، دشمن بار دیگر به بادگان عقب نشینی می نماید .

یکشنبه ۵۸/۷/۲۹: اوضاع شهر نسبتاً آرام است ، هیچ ارتشی ، پاسدار و کلاه سیزی در شهر دیده نمیشود . بهنگام غروب پیشمرگه ها با سلاحهای گوناگون بیکی از مواضع ارتش که

در اطراف شهر بر روی تپه های قرار دارد حمله نموده و تانکها را مجبور به عقب نشینی می نمایند . امروز هر کسی که سلاحی در زیر خاک پنهان کرده بود اسلحه بدوش گرفته است و پیشمرگه ها آزادانه در شهر رفت و آمد می نمایند .

دوشنبه ۵۸/۷/۳۰: شهر کلا در دست مردم و پیشمرگه ها است . پاسداران در خانه جوانان نزدیک پادگان موضع گرفته و مردم بی گناه را که از آن حوالی عبور می کنند غافلگیرانه بگلوله می بندند . این چند روز از مردم ۴ یا ۵ نفر شهید شده و ۱۳ الی ۱۴ نفر زخمی گشته اند ، از نیروهای دشمن عدده زیادی کشته و زخمی شده اند که از تعداد دقیق آنها اطلاعی در دست نیست .

اعتراض مردم سندج به نحوه فرمایشی مذاکرات هیئت اعزامی

بدین اعلام جهاد علیه خلق کرد از طرف قدرت حاکم ، و هجوم وحشیانه ارتش ضد خلقی و پاسداران فریب خورده و مزدور به کردستان و اعدام بسیاری از زندگانی در شهرهای مختلف کردستان ، خلق کرد دوش بدوش پیشمرگان قهرمان خود در شهر و کوه دست به مبارزه مقاومت زد . این مبارزه تا آنجا تکامل یافت که اکنون از جنبه نظامی درآمده و شکل تعرضی بخود گرفته است بطوریکه مرتجعین را از خیال خام سرکوب جنبش حق طلبانه ، خلق کرد از طریق نظامی منحرف گردانده و آنان را وادار به چاره اندیشی نموده است . دولت ضد انقلابی اینبار توطئه دیگری در سر دارد و چاره را در مذاکره می بیند . دولت ارتجاعی می خواهد از مذاکره بعنوان سلاحی برنده تر از هجوم نظامی استفاده کند . زیرا او خوب می داند تا زمانیکه خلق کرد در سنگر است و مسلحانه می جنگد ، امکان تفرقه در بین آنان نیست به همین منظور یکبار صد هشتاد درجه چرخش نموده و به فکر مذاکره افتاده است . (یا بدین سید کرد دولت توطئه در سر ندارد مذاکره برای چیست ؟ مگر نه اینست که خواسته خلق کرد در یک قطعه نامه داده ای قبلا به اطلاع دولت رسیده است) ، در نتیجه هیئتی را بنام حسن نیت که در واقع سو نیت دارند روانه کردستان نمود و اما دنگی خود را جهت مذاکره اعلام نموده است .

دولت می خواهد در این مذاکره از سیاست "تفرقه انداز حکومت کن" استفاده نموده و با دادن پاره های امتیازات به عده ای سازشکار و مرتجع در صفوف خلق کرد تفرقه ایجاد نماید و از این نیروهای سازشکار بعنوان جماعتی علیه نیروهای مترقی استفاده کند . دولت میخواهد با مرتجعین محلی به مذاکره بنشیند و سپس از بلندگوهای ارتجاعی خود چنین وانمود کند که

با نمایندگان خلق کرد مذاکره نموده است . برای نمونه ، در تاریخ ۱۳ آبان که هیئت دولتی وارد سندج شدند ، از چندتن از مرتجعین از جمله "مجتهدی" خواسته بودند که با انسان مذاکره کنند . مجتهدی را همه مردم کردستان از کوچک و بزرگ بخوبی می شناسند . او کسی است که در دوران رژیم مغزوپهلوی تمام روزهای جمعه در مسجد جامع سندج برای سلامتی "نا هینا و وهیبا شو" دعا می خواند و تا مدتی بعد از انقلاب تا میرده جرات بیرون آمدن از منزل خود را نداشت . اکنون بعیند نیست که این رژیم نیز مجتهدی را نماینده خلق کرد بنا شد زیرا منافع وی چنین اقتضا میکند .

اما خلق کرد بیدار است . مردم مبارز سندج به محض اطلاع از جریان جلوسجدوالسی که مجتهدی در آنجا منتظر هیئت دولتی بود تجمع کرده و شاعری دادند : رهبر ما در سنگر است ، مذاکره تحریم است . مذاکره با مفتی (مجتهدی) شوین به خلق کرد است ، مرک بسو جاشکان ، جاشکورد و فروشه کان . سپس مردم دسته دسته در خیابان راه افتادند و علیه هیئت دولتی و جاشهای محلی شعار دادند . آنگاه مردم در جلوسا تدارکی تجمع کرده و قطعنامه ای را در چند ماده خواندند و اعلام کردند فردا جهت اعتراض به نحوه مذاکره ، مردم در میدان آزادی جمع شوند .

در تاریخ ۱۴ آبان بیش از (۵۰۰۰۰) نفر از مردم مبارز سندج در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم شرکت کردند . نظا هرکنندگان خواستهای خود را در پلاکاردهایی منعکس نموده و مرتب شاعری دادند . پاره ای از شعارها چنین است : رهبر ما در سنگر است ، مذاکره بی شمراست / مذاکرات پنهانی با احزاب سازشکار ، افتنا با بدکرد / ارتش ضد خلقی ، پاسداران ارتجاعی نابود با بدکرد / مذاکره با مفتی شوین به خلق کرد است ، قطعنامه مهاباد ، خواسته خلق کرد است ، خیرگان ، خیرگان ، حامی ستمگران / بازرگان دشمن زحمتکشان / خلق کرد بیدار است ، از تفرقه بیزار است / هیئت حسن نیت توطئه دولت است / مذاکره پنهانی یک حیل جدید است / دویت ارتجاعی حسن نیت ندارد ، توطئه ارتجاع دیگر اثر ندارد / نه سازش نه تسلیم ، تا پیروزی نهایی جنبش ادا نموده .

نظا هرکنندگان هنگام عبور از خیابانها در چندین محل نقل باران و سکه باران شدند . هنگامیکه نظا هرکنندگان از جلو یک دبستان دخترانه عبور میکردند ، دانش آموزان خردسال از جلو پنجره مدرسه شاعری دادند : رهبری راسته قینه ، فقط شیخ عزالدین (رهبر واقعی فقط شیخ عزالدین است) . در پایان نظا هرکنندگان در چهار راه شهدا قطعنامه خود را خواندند . پاره ای از مواد موجود در قطعنامه عبارتند از :

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۴ بیانیه سا زمان ...

آمریکا متصل شده است و منشأ اصلی تمام بحران های اقتصادی - اجتماعی جامعه ورنج وستم دیرینه، اقتصادی و سیاسی برتوده های زحمتکش ماست. و این آن چیزی است که هیئت حاکمه کنونی علیرغم هایهوی فراوان و تبلیغات فریبکارانه، از با سخگوشی به آنها عاجز است و تاکنون با توجه به تمام اعمال و کردار خود به توده ها نشان داده است که در برابر تحقق این خواست توده ها با تمام قوا قد برمی افرازد.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنها، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی هستند.

کمونیست ها که تاکنون با سیاست های افشاگرانه خود حقانیت سیاسی و تاریخی خویش را نشان داده اند، اکنون نیز نباید یک لحظه در افشای این واقعیات و ماهیت هیئت حاکمه تردیدی بخود راه دهند. آنها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنها، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست هستند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که انحصار طلبان جنگ - افروز دیروز که دستشان تا مرفق به خون خلق کرد آلوده است، بناگزیرو بنابیر ما هیت طبقاتی خود نمی توانند خواست های ضد امپریالیستی آنها را برآورده سازند و میگویند تا این مبارزه را اوشیقه، با زبانی اقتدار افول یابنده خویش قرار دهند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که نیروهای لیبرالیسم همچون جمهوری خلق مسلمان به زعامت شریعتمداری، جبهه ملی و ... کسبه هم اکنون مزورانه لباس "ضد امپریالیستی" برتن کرده اند و در بیانیه ها و روزنامه های بریطمطراق خود اندر ضرورت مبارزات بر علیه امپریالیسم قلم فرسائی می نمایند، در پی مهار زدن به مبارزات اوج یابنده، توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه هستند. آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای وابسته به سوسیال امپریالیسم حزب توده میگویند تا بر تمام عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه و جناح قدرتمند کنونی آن پرده اندازند و با شرکت در "جشن ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه، نان شیرینی ای برای خود دست و پا کنند.

آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای منقور "سه جانی" به اعتبار سیاست های رویزیونیستی و ضد انقلابی شان، از اوچگیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا، افسرده خاطر شده اند و بدین ترتیب پرده از چهره کثیف ثنوریهای ضد انقلابی آنها که بر اساس آن حاضرند بخاطر "مبارزه" با سوسیال امپریالیسم به پای اتحاد با امپریالیسم خونخوار آمریکا بروند، بردارند.

و سرانجام آنها باید در متن همین شرکت فعال به دموکراتهای ناپیگیر نشان دهند که نباید مسحور چند اقدام ضد آمریکا ای این بخش از هیئت حاکمه شده و با فراموش کردن گذشته سراسرنگین اینان به وعده های شیرین و دهان پرکن آنها دل خوش کنند و بیش از پیش در محاق توهم و خوشبآوری فرو روند.

آری اکنون وظایف خطیرتری در پیش روی کمونیست ها است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۸/۲۵

بقیه از صفحه ۱۷

جنبش دانش آموزی ...

۴ - برگرداندن معلمان و دانش آموزان مبارز و انقلابی که اخراج شده اند و اعاده حیثیت از آنها.

۵ - آزادی فعالیت های سیاسی در مدارس.

۶ - اخراج هر چه زودتر احراری رئیس کل آموزش و پرورش فارس.

۷ - تعویض محتوای کتابهای درسی که بر اساس نیازهای امپریالیستی و با فرهنگ استعماری تدوین شده.

۸ - اخراج عناصر واکی و ارتجاعی که خوش خدمتی خود را به رژیم سابق نشان داده اند.

۹ - پایان دادن به کشتار بی رحمانه خلقهای تحت ستم بخصوص خلق کرد و پشتیبا نسی

کامل از خواستهای برجق و میسارزات پیگیر و قهرمانان دانش آموزان کردستان.

بعد از خواندن قطعه نامه دانش آموزان به راهیمائی خوبادامه دادند. اما فالانزهای انحصار طلب با چوب و سنگ نظا هرکنندگان را

مجدداً مورد حمله قرار داده چند نفر را کتک زدند و یک نفر را زخمی نمودند. سپس دانش آموزان متفرق شدند.

هدف از گذاشتن راهیمائی، گراسی - داشت خاطر، شهدای ۱۲ آبان، مطرح کردن خواستهای صغی - سیاسی، ایجاد حرکت و

جنبش دانش آموزی، بیوند با مبارزات زحمت - کشان، تشکل و اتحاد نیروهای مبارز و دانش آموزان

و همگام بودن با مبارزات مردم و دانش آموزان در سایر شهرها بود. این بار دانش آموزان

نخواستند در سالنهای در بسته، دانشگاه جمع شوند و شعار بدهند بلکه میخواستند در خیابان

ندای حق طلبانه، خود را بگوش مردم برسانند و با این حرکت به جنبش دانش آموزی اعتلا

بخشند. آنها به خیابانها آمدند تا به مبارزات دانش آموزان سمت و سوی توده ای بدهند و راه

را برای مبارزات و راهیمائی های بعدی هموار سازند.

تبعیدشدگان و محاکمه خلقهای و جاشهای محلی در یک دادگاه خلقی.

۳ - پشتیبانی از متن پیشنهادی شیخ عزالدین حسینی و اعاده حیثیت سیاسی از رهبر ملی و مذهبی کردستان " حضرت شیخ عزالدین حسینی " و افشای تمامی جعلیات و اتهامات واهی نسبت به این شخصیت مبارز کرد

در برابر برتما می خلقهای ایران از طریق رسانه های گروهی.

۴ - هیئت اعزامی باید فقط با نمایندگان گروههای سیاسی کردستان مذاکره کنند و هر نوع مذاکره یکجانبه و پنهانی از جانب خلق کرد محکوم است.

۵ - خلق کرد خواستار انحلال مجلس فرمایشی خسرگان و تشکیل مجلس موسسان واقعی شامل نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی است.

۶ - آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها و آزادی انتشار روزنامه های مترقی و پیشرو.

اخبار کردستان ...

۲ - اخراج پاسداران، آزادی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط، بازگشت کلیه

۱ - قطعه نامه هشت ماده ای مهابادستندج

محاكمه نماينده بورژوازی در خانه کارگر

کار و دفترچه بیمه درمانی
خواست اصلی کارگران بود .

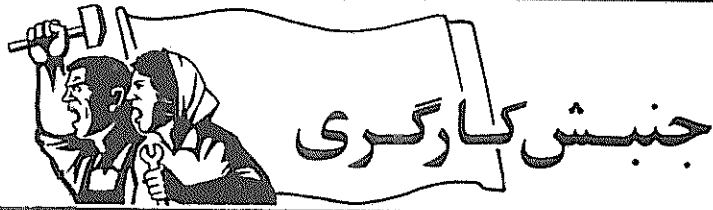
بعد از اینکه کارگران پیروزمندان خانه کارگر را تصرف کردند، اعلام نمودند که روز دوشنبه ۵۸/۸/۱۴ در خانه کارگر اجتماع خواهد کرد و چنانچه نماینده ای از طرف دولت برای پاسخگویی به خواسته هایمان حاضر نشود، بسوی وزارت کار رتظا هرات خواستند نمود .

و امروز دوشنبه بود. " ضیا " معاون وزارت کار بستوان نماینده دولت در اجتماع صدها نفری کارگران در خانه کارگر حاضر شده بود. ساعت ۹ ۱/۲ برنامہ با زماندهی خوبی شروع شد. هرکس می خواست صحبت کند، قبلاً با پیداسم می نوشت و نوبت می گرفت. کارگران زیاده صحبت کردند و هر یک با طرح مشکلاتشان بنوعی نماینده بورژوازی را به محاکمه کشیدند. ضیا در مقابل مطرح شدن خواسته های کارگران مرتباً زبونا نه می گفت چشم، چشم. ما در اینجا صحبت های چند نفر از کارگران را به اختصار ذکر می کنیم :

کارگری پشت میکروفون رفت و گفت :
" در راه بیماری از وزارت کار به نخست وزیر سرادستگیر کردند، ۳ روز در کمیته مرکزی و ۱۸ روز در زندان اوین بودم، در موقع آزادی از من تعهد گرفتند که دیگر به گرسنگی ام اعتراض نکنم، دیگر در رتظا هرات شرکت نکنم، ولی من فقط تعهد دادم که دیگر مقابل نخست وزیر نروم. " کارگر دیگری پشت تریبون رفت و گفت : " ... شما ۲۴ ساعت دست و پای یکنفر را سینه بدیدینید می توانست گرسنه بماند، هی بما می گوید میباید آخر تاکی ؟ من از همه میخواهم که از ما پشتیبانی کنند تا بتوانیم خواسته هایمان برسیم. "

قابل ذکر است که کارگران بهنگام سخن رانی اغلب معاون وزیر کار را مورد خطاب قرار می دادند و او هم جز تا شنید و چشم گفتن چپسزی نمی توانست بگوید. یکی از کسانی که صحبت کرد، کارگری از آبادان بود، وی گفت :
" سلام ما دقانه من کارگر بهمه شما، بهه کارگران خوزستان به رزمندگان دلیر کردستان و به همه خلق های دیگر ایران. حتماً تاکنون ما هیت غیرضد امریکائی آقای بازرگان برا یتان روشن شده است. ایجان کسی است که میروید با برزسکی مذاکره می کند، آقای بازرگان ادعای ۴۰ سال مبارزه میکند، ولی بهتر است بگویم ۴۰ سال سازش. اگر میخواهید ایجان و دولتت را بهتر بشناسی، یکبار دیگر به لایحه " رسیدگی به جرائم ضد انقلاب " مراجعه

بقیه در صفحه ۱۴



اعتصاب در کارخانه ارج

سه اعتصاب در یک ماه (اعتصاب،
مدرسه کارگران است)

کارگران از خروج کالاهای تولید شده، از انبار جلوگیری میکنند.

سه، استفاده از احساسات مذهبی کارگران بی فایده بود و کارگران بخوبی ما هیت نماینده صنایع ومعادن و... را شناختند و حرف هیچ مقامی را برای شکستن اعتصاب گوش نمی کردند. ضراغی این نماینده دولت ضد کارگری هم شدیداً در مقابل خواسته های کارگران ایستادگی میکرد و بر سر مسئله "دادن حق امضا به شورا" بین یکی از نمایندگان کارگران و نماینده ضراغی خاشن درگیری لفظی بوجود می آمد که ضراغی حیلله گریه اصطلاح قهر کرده و از کارخانه می رود و همچنین با برمدیران هم از کارخانه فرار می کنند و فعلاً به کارخانه نمی آیند، گویا ۲۰۰ میلیون تومان دزدی کرده اند. وزارت صنایع می گوید در صورتی ضراغی به کارخانه می آید که شورا حق امضا نداشته باشد و دولتی کارگران بشدت روی خواست حق طلبانه خود با فشاری کرده و تسلیم وزارت صنایع ومعادن که حافظ منافع کارگران است نمی شوند.

بالاخره بعد از دوروزه به خواست کارگران توجهی نمی شود یکی از نمایندگان مبارز از کارگران می خواهد که به سرکار بیرون و به تولید ادامه دهند ولی جلسوی خسارچ شدن تولید را بگیرند و انبار کنند. هنوز هم وزارت صنایع به خواسته های برحق کارگران هیچ جوابی نداده. و کارگران مبارز هم تولید را انبار کرده و نمی گذارند از کارخانه خارج شود. زمره هائی هم هست که احتمالاً از تاریخ ۲۱ آبان حقوق کارگران قطع خواهد شد و کارگران هم تصمیم دارند محصولات تولید شده را در جلوی کارخانه بفروش بفرستند.

لازم به تذکر است که در اثر اوچگیری مبارزات کارگران و فشار بیش از حدی که به آنها وارد میشود حدود ۲۰ روز قبل شورای سازش کار سابق را منحل کرده و مجدداً نمایندگان خود را انتخاب کردند (که از ۱۱ نفر نماینده ۹ نفرشان از کارگران مبارز هستند). شما بنوا نشدند به خواسته های برحق خود جامعه عمل ببوشند.

" تا بودید دتوطه های سرمایه داران خونخوار " برقرار با داتجا دو همبستگی کارگران "

هفته اول آبان ماه در کارخانه ارج به خاطر نپرداختن سودویژه به کارگران اعتصاب شد و این اعتصاب ۲ روز بطول انجامید و یکی از خواسته های کارگران دادن حق امضا به شورا برای فروش و خواست دیگر کارگران پرداخت سودویژه بود. از عید ۵۸ فقط ۲۰۰۰ تومان سود بستوان علی الحساب به کارگران پرداخت شده است که متعلق به سه ماهه اول سال بود و اکنون ۴ ماه از پرداخت این سود گذشته و هنوز سود ۳ ماهه دوم پرداخت نشده است. همه کارگران بپا دارند که قاطعی زاده (مدیر سابق) مرتب وعده می داد که امسال سود کارخانه به جیب خود کارگران () می رود و کارخانه مال خود کارگران است بعد هم همین مزدور ضد کارگر با به جیب زدن میلیونها تومان از دسترنج کارگران به آمریکا فرار کرده و به رباب خود، مهندس ارجمند، بیوست ولی نصیب کارگران از این درآمد عظیم کارخانه فقط ۲۰۰۰ تومان بود. ولی وقتی کارگران فهمیدند که کلاه بزرگی سرشان رفته است به وزارت صنایع ومعادن رفته، از آنها می خواهند که نماینده ای برای اداره کارخانه بفرستند، آنها هم شخصی بنام ضراغی را بستوان نماینده می فرستند. کارگران فکرمی کردند بسا آوردن نماینده صنایع ومعادن جلوی غارتگریها و دردیهای کلان گرفته خواهدش دولتی ضراغی این نماینده سرمایه داران از همان روزهای اول در جهت منافع کارفرمای زالوصفت قدم برمی داشت و در مقابل خواسته های کارگران می ایستاد. وضع کارگران از سابق هم بدتر شد و هیچکدام از خواسته های حق طلبانه آنها تا مین نشد، به همین خاطر در دوره ضراغی یکبار در شهر پیورما به بدت یک روز کارگران اعتصاب کردند و دولتی نماینده داستانی تهران با خلیله گیری تمام به فریب کارگران پرداخت و گفت در این شرایط هرکس اعتصاب کند مثل این است که گلوئی اما مرافشده است و به این ترتیب اعتصاب برحق کارگران را شکست ولی از آنجا که فریبکاری وحیلله گیری محکوم به شکست است و بتدریج کارگران به حقوق خویش آگاه میشوند، کارگران یکبار دیگر با اعتصاب مجدد خود در اول آبان ماه نقشه های سرمایه داران فریبکار را خنثی نمودند و این بار دیگر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر